

## احزاب اسلامی و تأثیر آنها در گسترش مردم‌سالاری آفریقا

محمد رضا شکیبا\*

چکیده

به باور هانتینگتون احزاب به دست نسل جدید در محیط‌های شهری آفریده شده و وظیفه آنها رفع مشکلات مردم در زمینه‌های مختلف است. مبارزات دوران استقلال‌طلبی مهم‌ترین دوره از تاریخ معاصر آفریقا محسوب شده و برخی بر این باورند که نخستین بذره‌های مردم‌سالاری و مدرنیته به مفهوم پذیرش هویت ملی و تلاش برای تأسیس نهادهای دینی و سیاسی متفاوت از اندیشه‌های قبیله‌ای در آن دوران رایج گردید. موضوع حزب و جایگاه آن در توسعه و پیشرفت کشورهای آفریقایی بخصوص در دو دهه اخیر مورد توجه نخبگان بوده و مردم آفریقا به تحولات مثبت ناشی از آن پدیده امید بسیار دارند. متأسفانه، هنوز احزاب آفریقایی شخص محور بوده و برنامه‌ها و

\*. کارشناس مسائل آفریقا

آینده نگرى احزاب چندان در جذب مردم مؤثر نیستند. البته، تجربیات چند دهه اخیر نشان داده که افزایش مردم‌سالاری و حقوق شهروندی حاکمیت ملی و پیشرفت جامعه را افزون ساخته و موجبات افزایش امنیت اجتماعی را فراهم می‌آورد.

اکنون در آفریقا شرایطی فراهم شده که نهادهای دینی در امور سیاسی و اجتماعی فعال شده و از منظر دین به جریانهای فکری و نظام سیاسی نگرسته و برای یافتن پاسخ‌های مبتنی بر آموزه‌های دینی و فرهنگی تلاش می‌کنند. این رویداد مبارک و مغتنم است و نوید تحولات عام‌المنفعه و نشاط اجتماعی - سیاسی را به ویژه برای مسلمانان به همراه دارد. آفریقا تا کنون چهار جریان سیاسی - اقتصادی را تجربه کرده که به ترتیب ناسیونالیسم، سوسیالیسم، لیبرالیسم و مردم‌سالاری بوده که عموماً در غالب سکولاریسم رخ می‌نموده است. اما از دهه هشتاد به بعد با بازگشت دین به صحنه سیاسی و اجتماعی آفریقا امید می‌رود که امال و آرزوهای مردم موحد آفریقا محقق گشته و اندیشه‌های گیتی‌گرایانه با محدودیت بیشتری روبرو گردند. البته باید اذعان کرد که برخی از نخله‌ها و باورهای یاد شده، با توجه به تحولات نوین در آفریقا تلاش‌هایی در راستای تلفیق اندیشه دینی با آن رویکردها داشته‌اند.

## مقدمه

قاره آفریقا، در طول تاریخ، مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده و دیگران همواره به آن قاره چشم طمع داشته‌اند. وجود زمینهای حاصلخیز و معادن ارزشمند سبب شده تا همواره این قاره از سوی سایر کشورها مورد استعمار قرار گرفته و از دسترنج و مواهب آن خطه دیگران بهره‌مند شوند. حتی اکنون نیز مردم این قاره به‌رغم بهره‌مندی از منابع انرژی و معدنی و سرزمینهای حاصلخیز از آسیب‌پذیرترین و محروم‌ترین مردم جهان قلمداد می‌شوند.<sup>(۱)</sup>

نگاهی گذرا به تاریخ سیاسی آفریقا در اواخر قرن نوزده و قرن بیستم نشانگر این واقعیت است که استعمارگران با هدف تفرقه بین مردم و تثبیت حکومت خویش با هر نوع گروه‌گرایی و تجمعات بومی مخالفت کرده و محو و اضمحلال گروه‌های داخلی را هدف گرفته بودند.<sup>(۲)</sup> در تمام آفریقا استعمارگران هر نوع قبیله‌گرایی و سازمان سیاسی - دینی را غیرقانونی اعلام و با آن به مخالفت برخاستند.<sup>(۳)</sup> این ویژگی که از زیاده‌طلبی و افزون‌خواهی سلطه‌گران و قدرت‌طلبان ناشی می‌شد بر مردم آفریقا گران آمده و باتأسیس اتحادیه، جنبش‌های اجتماعی و حزب به مقابله با آن برخاستند.<sup>(۴)</sup>

مسلمانان در بسیاری از کشورهای آفریقایی به‌رغم پذیرش تعدد احزاب توسط دولت‌ها و احترام به حقوق بشر همچنان در تنگنا هستند. از جمله اینکه مسلمانان کنیا که اقلیتی معتنا به به شمار می‌روند از آموزش و تسهیلات اجتماعی محروم بوده و هستند.<sup>(۵)</sup> در کنیا به‌رغم جمعیت بیش از بیست و پنج درصدی مسلمانان<sup>(۶)</sup> تا سال ۱۹۸۲ هیچ وزیر

مسلمانی در کابینه حضور نداشت و هویت اسلامی افراد مورد انکار و از حضور فعالانه آنها در سیاست جلوگیری می‌شد.<sup>(۷)</sup> حتی حزب اسلامی کنیا که در دهه نود میلادی در آنجا فعال شده پس از دو سال غیرقانونی اعلام و رهبر آن تبعید گردید.<sup>(۸)</sup> درخواست مسلمانان کنیا از دولت، رفع مشکل زمین، استخدام و فرصت‌های آموزشی بوده است و نهاد اسلامی مورد قبول دولت از سال ۱۹۷۳ تا زمان پذیرش تعدد احزاب در دهه نود برای مسلمانان کاری نکرده بود.<sup>(۹)</sup> این که یک حزب اسلامی در کشوری که بنا به آمار دولتی مسلمانان جمعیت اندکی را در آن تشکیل بدهند با استقبال گسترده روبرو شده و در روند امور سیاسی تأثیر گذارد علاوه بر اینکه نشانگر روحیه سیاسی مسلمانان است مبین این واقعیت است که دولتمردان کشورهای استعماری چه حق مسلمی را در کشورهای با جمعیت معتدله مسلمان از آنها دریغ کرده و حقوق دموکراتیک آنها را نادیده می‌گیرند.

#### مسلمانان و نسب قدرت سیاسی

اسلام یکی از دو آیین بزرگ در آفریقا به شمار رفته و براساس آمار سال ۱۹۳۵ حدود بیست درصد جمعیت آفریقا پیرو ادیان ابتدایی و هشتاد درصد پیرو ادیان الهی بوده که نیمی مسلمان و نیمی مسیحی بوده‌اند.<sup>(۱۰)</sup> از آن پس نیز آمارها حکایت از جلب مردم پیرو ادیان ابتدایی به دو دین بزرگ الهی دارد.<sup>(۱۱)</sup> از این رو طبیعی است که احزابی براساس آموزه‌های دینی در میان مسلمانان آن قاره تأسیس شده و خواهان استیفای حقوق خود باشند. به ویژه آنکه در شیوه سنتی آفریقایی اجماع و رعایت نفع همگانی لحاظ شده و حقوق گروه‌ها و اصناف محترم بود.<sup>(۱۲)</sup>

مسلمانان آفریقا برای مبارزه و چالش با استعمارگران نخست به تأسیس و تشکیل

گروه‌های صنفی در آفریقا اقدام کرده و به تدریج با طرح خواسته‌های خود و اعتلای مبارزه با استعمار آن نهادها را تبدیل به اتحادیه و حزب کردند. در شرق آفریقا مؤسسه صنفی کارگران و سپس اتحادیه تانگانیکایی‌ها و بعد از آن انجمن مسلمانان شرق آفریقا تأسیس شد.<sup>(۱۳)</sup> در غرب آفریقا نیز پس از شکست جنبش‌های اسلامی، مردم بومی و به ویژه مسلمانان به فکر تحزب و تأسیس اتحادیه پرداخته و تلاش کردند تا از راه‌های قانونی و تدریجی به اهداف خود نائل آیند. در این زمینه احزاب نیجریه و به ویژه حزب مردم شمال بهترین نمونه محسوب می‌شود.

در دو دهه اخیر سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای غربی بر آزادسازی اقتصادی و باز کردن عرصه عمومی برای حضور و شرکت مردم در امور سیاسی تأکید داشته‌اند. این امر در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و تأسیس احزاب مؤثر می‌باشد و نتیجه آن پذیرش تعدد احزاب در بسیاری از کشورهای آفریقایی و برگزاری انتخابات نسبتاً آزاد بوده است. گرچه از این رویکرد نیز برخی احزاب حاکم به نفع خود بهره برده و از گسترش مردم‌سالاری و توسعه کشور جلوگیری کردند که تازه‌ترین نمونه آن کشور چاد و سوءاستفاده رئیس جمهور ادریس دبی از امکانات دولتی به نفع خود و قبیله‌اش می‌باشد.<sup>(۱۴)</sup> با اینهمه تعدد احزاب در آفریقا نشانگر توانمندی شهروندان و پویایی جامعه مدنی است و از تمامی عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متأثر گردیده و البته بر آنها تأثیر می‌گذارد.

#### بررسی مفهوم و جایگاه احزاب اسلامی در آفریقا

سرگذشت سیاسی احزاب در تاریخ اجتماعی و سیاسی معاصر آفریقا حدیث حق طلبی مردم و تلاش‌های آنها از یکسو و استتکاف دولت‌ها از همراهی داوطلبانه با خواسته‌های

مردم بوده و از اینرو فراز و نشیب آن روند آموزنده و استفاده از آن تجارب برای نسل بالنده مسلمان ارزشمند خواهد بود. علاوه بر آن، حضور فعالانه احزاب در آفریقا ضامن بقا مردم سالاری و افزایش اقتدار دولت‌ها براساس آراء عمومی مردم در انتخاباتی رقابتی و انتخابات در آفریقا می‌تواند اساس و پایه مردم‌سالاری را تشکیل می‌دهد.

جنبش‌های مردمی که در مقابله با استعمار و چالش با سلطه آن پدیدار شدند نقش مهم و ارزنده‌ای در افزایش آگاهی عمومی و آماده‌سازی جوامع برای همکاری‌های همه‌جانبه بومیان در چالش با استعمار ایفا کردند. نقطه ضعف چنین جنبش‌هایی همانا پراکندگی و فقدان پیوند بین گروه‌های بومی بوده است. در سیرالئون پس از جنبش تمنی‌ها، افراد قبیله مندی در بخش دیگری از کشور به مقابله با استعمار پرداختند. یا در شرق آفریقا جنگ‌های مائو مائو را مردم تانزانیا آغاز کرده و پس از گذشت چهل سال در کنیا دوباره شروع شده و به استقلال منتهی شد.<sup>(۱۵)</sup> آن جنبش‌ها اگرچه با شکست روبرو گردیدند اما درس بزرگی برای مردم آفریقا به همراه داشت و موجب پدیدار شدن اتحادیه‌های صنفی سیاسی شده و مردم را بدین حقیقت آگاه کردند که باید برای احقاق خواسته‌های خود به اتحاد و یکپارچگی و تأسیس نهادهای سیاسی روی آورند. شاید بتوان گفت که نقطه ضعف نخستین جنبش‌های آفریقایی در پاسخ به زیاده‌خواهی استعمار این بود که بدون برنامه ریزی، بسیج عمومی و تهیه تدارکات صورت گرفته و به همین دلیل جنبش‌های نخستین در آفریقا عموماً با شکست روبرو شدند.<sup>(۱۶)</sup>

«آنتونی گیدنز» جنبش اجتماعی را کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک، یا تأمین هدفی مشترک، از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف

می‌کند.<sup>(۱۷)</sup> حزب سیاسی را می‌توان به‌عنوان سازمانی که هدفش دستیابی به تسلط مشروع بر حکومت از طریق فرایند انتخاباتی است، تعریف کرد.<sup>(۱۸)</sup> به باور جیووانی سارتوری، حزب سیاسی عبارت است از هر گروه سیاسی دارای یک عنوان رسمی که در انتخابات شرکت کرده و این اصکان یا توانایی را دارد که از طریق انتخابات (آزاد یا غیر از آن)، نامزدهای مورد نظر خود را در رأس پست‌ها و مناصب عمومی جامعه قرار دهد.<sup>(۱۹)</sup>

در این نوشتار نخست اشاره کوتاهی به جنبش‌های سیاسی و حزبی قاره شده و سپس به بررسی شرایط و تلاش‌های احزاب اسلامی در شمال، شرق، جنوب و غرب قاره پرداخته خواهد شد. البته جداسازی احزاب اسلامی از غیر اسلامی به دلیل حضور گسترده مسلمانان در آفریقا غیر ممکن است. به‌عنوان مثال در مالی، گینه، نیجر، سنگال و گامبیا بیشتر احزاب توسط مسلمانان اداره و هدایت می‌شود؛ ولی آنها اجازه طرح مسائل اسلامی را ندارند. با این همه آنها به طور غیر مستقیم افکار و آموزه‌های دینی خود را در عمل پیاده می‌کنند.

سازماندهی نهادهای سیاسی - اجتماعی  
 سازماندهی نهادهای سیاسی - اجتماعی از ویژگی جوامع مدرن به شمار رفته و نقش مهمی در ایجاد اتحاد و یگانگی در جوامع و افزایش آگاهی مردم دارد. البته در آفریقا شیوه زندگی قبیله‌ای براساس همفکری و انسجام گروهی و پیروی از نظر جمعی بوده که توسط سالمندان هر جامعه تنظیم و ابلاغ می‌گردید و در آن سعادت و بهروزی عموم مورد توجه قرار داشت. اما استعمار در آن شیوه گسست ایجاد کرده و در برخی کشورها مانند رواندا و بروندي موجبات یک نسل کشی را فراهم کرد.<sup>(۲۰)</sup> احزاب، دسته بندی‌های سیاسی

و تشکل‌های مدنی نقش مهم و ارزنده‌ای در ارتقا آگاهی مردم آفریقا و احقاق حق آنان ایفا کرده و از این منظر، یکی از حقوق شهروندان به گفته‌ی اچ مارشال<sup>(۳۱)</sup> برخوردار از ویژگی انتخاب شدن و انتخاب کردن است.<sup>(۳۲)</sup> هویت‌های دینی و قومی توانایی بسیاری در انسجام و یکپارچگی مردم آفریقا داشته و در یک جامعه مردم سالار موجبات پیوند و دوستی بیشتر مردم را فراهم می‌کنند. متأسفانه در آفریقا دولت‌مردان برای بهبود و تثبیت جایگاه خود هویت‌های دینی و قبیله‌ای را انکار کرده و مردم را به تبعیت از اندیشه و صلاحدید خود تشویق می‌کنند. چنانکه در کنیا باور «تیاثو» و تانزانیا مفهوم «لوجاما» و در غرب اندیشه سیاه‌گرایی تبلیغ می‌شد که چندان سودی نیز برای مردم آفریقا نداشت.<sup>(۳۳)</sup>

دسته‌بندی‌های سیاسی در شکل دادن به جامعه مدنی و تسریع روند مردم‌سالاری نقش مهم و تعیین‌کننده داشته و همگرایی و همفکری مردم را تسهیل می‌بخشد. این امر همچنین فرصت مناسبی را برای رقابت سازنده گروه‌ها و سازمان‌ها فراهم آورده و از ایجاد گسست و بیگانگی در جوامع جلوگیری می‌کند. اینکه احزاب و رسانه را مهم‌ترین رکن مردم‌سالاری قلمداد کرده‌اند به دلیل نقش آن دو پدیده در توسعه و افزایش تفاهم و تقویت هویت ملی می‌باشد. البته احزاب سیاسی در صورتی که تحت رهبری و هدایت جمعی از خردمندان و مدیران دلسوز جامعه تأسیس شوند تأمین‌کننده حقوق مردم بوده و سعادت آنها را تضمین خواهد کرد.

متأسفانه در آفریقا در طول سه دهه پس از استقلال، از بالندگی و تشکیل چنین احزابی جلوگیری شده است، زیرا حکومت‌ها یا بر اثر وابستگی به قدرت‌های بیگانه و یا بی‌توجهی به آرای ملت و ادامه روحیه خودمحوری، کشورهای خود را از داشتن احزاب و



تشکل‌های سیاسی متنفذ، منتقد و اصلاح‌گرا محروم کردند.

### چگونگی رابطه حکومت و جامعه

تأسیس و حضور فعالانه احزاب در جوامع آفریقایی موجب افزایش پیوند حکومت و جامعه شده و از بسیاری از کج‌روی‌ها جلوگیری به عمل می‌آورد. از آنجا که احزاب دارای پیوند و رابطه مستقیم با مردم بوده و در اقصی نقاط کشور شعبه و عضو دارند می‌توانند نظرات مردم نواحی کشور را به گوش دولت رسانده و در برآورده ساختن خواسته‌های آنها مؤثر باشند. به گمان جیل کرسیتیت، حزب سیاسی «گروه سازمان‌یافته شهروندانی است که دارای نظریات سیاسی مشترک‌اند و با عمل به مثابه یک واحد سیاسی می‌کوشند به‌عنوان حلقه پیوند میان منافع اجتماعی و نهادهای تصمیم‌گیری سیاسی عمل می‌کنند.»<sup>(۴۴)</sup>

به گفته جوزف شومپتر: «نخستین و مهم‌ترین هدف هر حزب سیاسی چیره شدن بر حزبهای دیگر برای نیل به قدرت و یا حفظ آن است. به باور ادموند بورک حزب سیاسی «هیئتی از مردم است که به خاطر پیشبرد منافع ملی با کشش مشترک براساس برخی اصول سیاسی مورد توافق، متحد شده‌اند.» به عقیده گتل: «حزب سیاسی مرکب از گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان یافته است که به‌عنوان یک واحد سیاسی عمل می‌کنند و با استفاده از حق رای خود می‌خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاستهای عمومی خود را عملی سازند.»<sup>(۴۵)</sup> به نظر می‌رسد در آفریقا بسیاری از دولتمردان از بیم پیروزی مسلمانان در انتخابات اجازه فعالیت حزبی به آنها نداده و آنها را عملاً از حضور مستقیم در انتخابات محروم کرده‌اند.

ماکس وبر حزب را «فرزند دموکراسی در غرب» می‌داند، بدون تردید در جوامع

آفریقایی که در ابتدای تحقق مردم‌سالاری هستند وجود احزابی با ساختار دموکراتیک می‌تواند به رشد و توسعه مردم‌سالاری و افزایش حقوق شهروندان کمک نماید

همچنین، به باور «دوورژه» حزب سیاسی چرخ دنده‌ی ماشینی دموکراسی است. وضعیت وخیم و دردناکی که در آفریقا همزمان با افزایش سلطه استعمارگران حاکم بود بر پایه ظلم و تعدی و تجاوز به حقوق ملت‌های آفریقایی شکل گرفته است و به شکست ساختار سیاسی - اقتصادی آفریقایی‌ها منجر گردید. در واقع، استعمارگران برای استثمار ملت‌های قاره آفریقا و به یغما بردن منابع آن خطه نیازمند ایجاد تفرقه بین قبایل و پیروان ادیان بوده و برخی گروه‌ها و عوامل دست‌نشانده استعمارگران از این فرصت برای بهبود شرایط خود و تضعیف دیگر قبایل و جنبش‌ها بهره بردند. کتاب فانون با عنوان «پوست سیاه صورتک‌های سفید» اشاره به همین حادثه است.<sup>(۳۶)</sup>

#### مسلمانان و شکل‌گیری اراده سیاسی در آفریقا

در اواخر سلطه استعمارگران در آفریقا، تشکل‌های فراگیر سیاسی صنفی، مبتنی بر اهداف جمعی و غیر وابسته به منافع قومی و نژادی پدیدار شد که نشانه‌ای از گسترش شهرنشینی و مدرنیته بود. حتی به باور پژوهشگران علوم سیاسی احزاب سیاسی نهادهایی هستند که حضورشان به دلیل شهرنشینی و گسترش پیوندهای مردمی - دولتی ضرورت یافته و در فرآیند توسعه سیاسی اقتصادی و اجتماعی جوامع آفریقا نقش مهم و ارزنده‌ای ایفا کردند. به باور هانتینگتون احزاب به دست نسل جدید در محیط‌های شهری آفریده می‌شوند.

حزب یک تشکل و سازماندهی سیاسی، هدفمند و منسجم با آموزه‌ها و باورهای

آشکار مبتنی بر منافع اعضا و پیروان بوده که هدف آنها حضور در گستره تصمیم‌گیری دولتی و ایجاد تغییر و تحول در شرایط زندگی مردم است. احزاب اسلامی نیز عموماً با همین رویکرد تأسیس و به تلاش‌های سیاسی روی می‌آورند. اما بسیاری از دولتمردان آفریقایی نظرات اصلاحی و دلسوزانه احزاب اسلامی را قبول نداشته گاهی آن احزاب را غیرقانونی اعلام کرده با آنها برخورد خشونت‌آمیز می‌کنند. در این زمینه به جنبش رستگاری اسلامی الجزایر، حزب اسلامی کنیا و حزب اسلامی مراکش می‌توان اشاره کرد.<sup>(۳۷)</sup> به هر حال، باور عموم بر این است که وجود و حضور فعالانه احزاب در هر کشور موجبات استقرار حکومت مردم بر مردم را فراهم آورده و از کج روی‌ها و زیاده‌خواهی افراد متنفذ جلوگیری به عمل می‌آورد. از این‌رو نخبگان آفریقایی و به ویژه مسلمانان در این زمینه تلاش بسیار داشته و به فرجام آن رویکرد امید وارند.

شکل‌گیری اراده سیاسی و تأسیس احزاب در آفریقا قدمت چندانی ندارد و تاریخ آن از اوائل قرن بیستم شروع می‌شود. در اوایل قرن بیستم مسلمانان آفریقایی که از رهگذر استعمار زیان بسیار دیده بودند با تأسیس اتحادیه و نهاد به مخالفت با استعمارگران پرداختند. گفته می‌شود نخستین جرقه‌های مقاومت آفریقا در اوائل قرن به همت مسلمانان و با الهام از فرهنگ جهاد ایجاد شد.<sup>(۳۸)</sup> تاریخ آفریقا در طول یک قرن گذشته نشان از تلاش مردم در جهت اتحاد و یکپارچگی برای نیل به توسعه و پیشرفت و مبارزه با استبداد استعمار و دولت‌های پسااستعماری بوده است. آنچه در سیر تحولات آفریقا طی یک سده اخیر قابل تامل است، گرایش مردم به سازماندهی سیاسی و ساماندهی اقتصادی و مخالفت کشورهای بزرگ با این خواسته مردم و نخبگان بوده است.<sup>(۳۹)</sup> در این راستا

گروه‌های اسلامی و از جمله مرابطی‌ها در شمال و غرب قاره تأثیر قابل ملاحظه‌ای را در سازماندهی چالش‌های ضد استعماری داشته‌اند.<sup>(۳۰)</sup> مسلمانان قاره در تأسیس جنبش‌های ضد استعماری و سپس تشکیل اتحادیه و حزب پیشقدم بوده و آن اقدامات نقش عمده‌ای در همکاری و یکپارچگی مردم مسلمان و بومی آفریقا داشته است.

#### نقش استعمار در خدشه‌دار ساختن نهادهای بومی

موضوع کسب قدرت سیاسی و طرح مسائل مورد علاقه از سوی نهادها و جوامع اسلامی در میان مسلمانان آفریقا از همان آغاز حضور و سلطه استعمارگران<sup>(۳۱)</sup> مطرح بوده و به‌رغم مخالفت کشورهای استعماری، مسلمانان پیوسته در افزایش انسجام سیاسی و اقتصادی خویش کوشیده و مخالفت با بیگانگان را از وظایف اصلی خود قلمداد می‌کردند. مسلمانان آفریقایی برای مقابله هدفمند و مؤثر با استعمار به سازماندهی پرداخته و در قالب عام خود همانند دسته، گروه، صنف، جناح متشکل شده و به مبارزه با استعمار پرداختند.<sup>(۳۲)</sup>

استعمارگران با هدف تسلط بر سرزمین‌های حاصل‌خیز و چپاول ذخایر کشورهای آفریقایی که عمدتاً توسط قبایل و گروه‌های اسلامی اداره می‌شد بیشترین دشمنی و عداوت را در حق آنان روا داشته و بر آنها سختی و دشواری بسیاری تحمیل کردند. با تثبیت حضور استعمارگران در آفریقا قبایل و نخبگان به اهمیت تحکیم هویت بومی‌ها و ایجاد انسجام در مردم پی برده و به‌رغم میل و خواسته استعمارگران در راه سازماندهی مردم تلاش ویژه مبذول داشتند. اما شاید یکی از دلایلی که موجب عدم موفقیت بسیاری از کشورهای آفریقایی پس از کسب استقلال بود همانا فقدان تجربه حزب و همکاری گروهی بوده است. در بسیاری از کشورهای آفریقایی در اوائل قرن بیستم جنبش‌های

شجاعانه و پرشوری پدیدار شده که زیان‌های بسیار به استعمار وارد آورد. اما به دلیل اینکه آن جنبش‌ها به طور پراکنده و بدون اطلاع دیگر گروه‌ها و قبایل به وقوع می‌پیوست این فرصت را برای استعمارگران فراهم می‌کرد که با تمام قوا با آن خیزش مردمی مخالفت کرده و آن را سرکوب کنند.<sup>(۳۳)</sup>

البته به دلیل مخالفت جدی استعمارگران با بالندگی و رشد مسلمانان، این امر با موفقیت همراه نبوده و گروه‌های اسلامی از رهگذر چالش با استعمار و دولتمردان آفریقایی که امور را تحت حکومت فردی قرار داده بودند.<sup>(۳۴)</sup> زیان بسیار دیده و کمتر فرصت یافتند تا به تحزب و انسجام گروهی برای طرح خواسته‌های خود بپردازند.<sup>(۳۵)</sup> استعمارگران و دولت‌های پسا استعماری گاهی جنبش‌های اسلامی و مردمی را به‌عنوان جنبش‌های مخالف با مدرنیته معرفی کرده و به بهانه سرکوب سنت‌گرایی و تحجر و تلاش برای توسعه، آنها را سرکوب می‌کردند که از آن جمله می‌توان به جنبش متیسین‌ها، حیدره، مائو مائو و ماداگاسکار اشاره کرد.

#### احزاب اسلامی و نقش آنها در توسعه

احزاب در آفریقا به طور کلی به دو دسته سکولار و غیر سکولار تقسیم می‌شوند. احزاب سکولار اعم از چپ‌گرا و راست‌گرا به امور دینی عنایتی نداشته و عموماً در جهت بهبود شرایط مادی مردم تلاش می‌کنند. البته در آفریقا ایدئولوژی‌ها بیشتر تمایل به حفظ منافع نخبگان دولتی داشته و در تثبیت حاکمیت همان گروه اندک مؤثر بوده است.<sup>(۳۶)</sup> اما احزاب غیر سکولار مسائل دینی را نیز مورد توجه قرار داده و ارزش‌های معنوی مردم کشور خود را یا به دلیل جذب آراء علاقمندان به ادیان الهی و یا به دلیل باورهای خود ارج

می‌نهادند. از آنجا که در آفریقای زیر خط صحرا احزاب اسلامی کمتر اجازه فعالیت داشته و شمار آنها بسیار اندک بوده از این رو دیگر احزاب غیردینی همواره سعی داشته‌اند که از آراء مسلمانان برای پیروزی حزب خود بهره‌مند شوند. به‌عنوان مثال، در انتخابات کنیا در سال ۲۰۰۷ که حزب اسلامی تشکیل نشده و در عین حال رای مسلمانان تأثیر گذار است، آقای اودینگا به مسلمانان قول داده بود که در صورت پیروزی دادگاه‌های شریعت را به رسمیت بشناسد.<sup>۳۷</sup> همچنین از هفتاد حزب رسمی در مالی هیچیک عنوان اسلامی ندارند و حال آنکه نود و هشت درصد مردم آن کشور مسلمانان هستند.<sup>۳۸</sup> در دیگر کشورها نیز همین وضع حاکم است. نیجریه با بیش از هفتاد میلیون مسلمان فاقد یک حزب اسلامی است و مردم مسلمان آن دیار مجبورند به دیگر احزاب رای دهند. هدف مسلمانان آفریقایی از تأسیس احزاب و بسیج مردم در قالب‌های سیاسی همانا مبارزه با سلطه استعمار و دولتمردان به شکل منظم و سازماندهی شده بود و آنها به رغم مخالفت استعمار با توجه به روحیه مبارز خود تا حدودی در این امر موفق بودند.<sup>۳۹</sup>

تأسیس احزاب اسلامی نشانگر توانمندی شهروندان مسلمان و عنایت آنها به سیاست و حضور در دایره تصمیم‌گیری می‌باشد. گرچه برخی از مخالفین انسجام اسلامی در آفریقا چنین وانمود و تبلیغ کرده که اسلام‌گرایان یک تهدید بالقوه برای انتقال قدرت به دولت سکولار در آفریقا بوده‌اند.<sup>۴۰</sup> گفتنی است این دیدگاه که از سوی غربی‌ها و مأموران کشورهای استعماری تبلیغ و ترویج شده به دلیل نگرانی آنها از روحیه مقاومت‌جویانه و ظلم‌ستیز مسلمانان آفریقا بوده است.<sup>۴۱</sup> واقعیت این است که علاقه مردم آفریقا به احزاب مسلمان نشانگر اصالت آموزه‌ها و خواسته‌های آنها می‌باشد و می‌تواند تأثیر بسیار بر آینده

قاره بگذارد.

آیین اسلام مغایرتی با مدرنیته و توسعه نداشته و با پیشرفت جوامع آفریقایی مخالف نیست. آقای مامادو دیا<sup>(۳۲)</sup> نخست وزیر سنگال در همین راستا کتابی به نام اسلام، جوامع آفریقایی و جوامع صنعت محور<sup>(۳۳)</sup> نگاشته و به نقش اسلام در همگامی با مدرنیته در آفریقا اشارات فراوان کرده است. شاید یکی از دلایل مخالفت دولتمردان با نهادهای اسلامی عدم تمکین آن گروه‌ها به خواسته‌های دولتمردان خود رای بوده است. از جمله در سال ۱۹۶۴ یک نهاد تانزانیایی به نام دعوه الاسلامیه خواهان بهبود شرایط آموزشی مسلمانان شده و نامه‌هایی بدان منظور نوشته بود. ولی دولت تانزانیای نویسندگان نامه را با این عنوان که به امنیت عمومی خلل وارد آورده‌اند، باز داشت کرده و در تنگنا قرار داد.<sup>(۳۴)</sup>

#### مخالفت با نهادهای سیاسی - اسلامی در آفریقا

در تمام دوران استعمار و پس از آن اگرچه تصدی حکومت و تأسیس احزاب اسلامی مورد عنایت و علاقه مردم مسلمان آفریقا بوده و برای نیل به آن هدف تلاش بسیاری مبذول داشتند، اما بسیاری از دولتمردان آفریقایی هر نوع گروه‌گرایی غیر دولتی را نامناسب اعلام و با آن مخالفت کردند.<sup>(۳۵)</sup> این امر نه تنها در کشورهای غیر اسلامی که حتی در کشورهای کاملاً مسلمان نیز اجرا می‌شد. در آفریقا در طول سه دهه پس از استقلال، از بالندگی و تشکیل احزاب اسلامی جلوگیری شده است، زیرا حکومت‌ها یا بر اثر وابستگی به قدرت‌های بیگانه و یا بی‌توجهی به آرای ملت و ادامه روحیه خود محوری، کشورهای خود را از داشتن احزاب و تشکل‌های سیاسی متنفذ، منتقد و اصلاح‌گرا محروم کردند.

نیرره می‌گفت در تانزانیای پس از استقلال جایی برای طرح اختلاف و یا انشعاب

وجود نداشته و با این ترتیب همه را مطیع حکومت تک حزبی کرد.<sup>(۴۶)</sup> در دهه هفتاد با توجه به اینکه تشکیل حزب اسلامی برای مسلمانان میسر نبوده اتحادیه ملی مسلمان کنیا (نوکم منطقه ساحلی) تشکیل شد و خواستار شناسایی برخی حقوق اسلامی از سوی دولت گردید.<sup>(۴۷)</sup> در ۱۹۷۶ نیز «جوانان انصار مسلمان» و سپس «انجمن آموزش و بهبود شرایط مسلمانان(موا)» در ۱۹۸۶ تأسیس گردید که تلاشهایی را تحقق بخشید.<sup>(۴۸)</sup> دولت کنیا حتی مؤسسه آموزش عالی مومباسا<sup>(۴۹)</sup> را که به همت مسلمانان تأسیس شده بود در سال ۱۹۶۴ از کنترل و مدیریت مسلمانان ساحل خارج کرده و تنها به یک سوم دانشجویان مسلمان اجازه ثبت نام و ادامه تحصیل داد.<sup>(۵۰)</sup> حتی با اینکه حزب اسلامی کنیا به مجرد اعلام موجودیت با استقبال اکثر مردم مومباسا، لامو و سپس مسلمانان کنیا روبرو شد،<sup>(۵۱)</sup> حکومت کنیا در دوران موئی و حتی پس از آن تشکیل حزب اسلامی کنیا را نشانه چپ گرای در میان مسلمانان تلقی کرده و به آن اجازه فعالیت نداد.<sup>(۵۲)</sup> حزب اسلامی کنیا در اسفند ۱۳۷۰ فوریه ۱۹۹۲ اعلام موجودیت کرد ولی شناسایی آن از سوی دولت تا سپتامبر همان سال طول کشید و سپس با مخالفت دولت روبرو گردید.<sup>(۵۳)</sup> مسلمانان کنیا که از حضور نمایندگان مسلمان در مجلس و کابینه ای که تعدادشان ۲۴ نفر بود سودی نبرد و با تشکیل حزب اسلامی امیدوار شدند که کارها به نفع آنها خاتمه پذیرد.<sup>(۵۴)</sup> اما واکنش دولت موئی به آن خواسته منفی و نگران کننده بود.

گفتنی است که «در نیجریه، کنیا، تانزانیا، آفریقای جنوبی و دیگر کشورهای آفریقایی پس از استقلال، احزاب گوناگونی با اهداف اسلامی تأسیس و به فعالیت حزبی پرداختند».<sup>(۵۵)</sup> ولی دولت‌های استعماری و پسا استعماری در روند پیروزی آنها اختلال کرده



و به اشکال مختلف مانع رشد و توسعه آنها شدند.<sup>(۵۶)</sup> از این رو گاهی احزاب با اسامی عام ولی براساس اندیشه اسلامی شکل گرفت و در جهت پیشبرد اهداف دینی - اسلامی تلاش می‌کردند. نمونه آن حزب ملی نیجریه به رهبری «شهو شگاری» بود که اگرچه اهداف عام و دمکراتیک داشت ولی به مسائل اسلامی نیز عنایت داشته و حتی از سوی مردم بخش جنوبی نیجریه متهم به پیشبرد اهداف اسلامی بود.<sup>(۵۷)</sup> در آفریقای فرانسه زبان، نهادهای اسلامی متعددی تأسیس شد که تلاش‌های ویژه در جهت هماهنگی با نیازهای نوین جوامع اسلامی داشتند. آن نهادها به آموزش و رسانه جهت آگاه کردن مردم و امور سیاسی و انسجام تشکیلاتی مسلمانان اهمیت می‌دادند.<sup>(۵۸)</sup>

#### ظهور اسلام سیاسی در مناطق سه‌گانه آفریقا

در بسیاری از کشورهای آفریقایی به‌رغم مسلمان بودن نیمی از جمعیت قاره، شمار احزاب اسلامی اندک است و حتی به تعداد کشورها نیز حزب اسلامی وجود ندارد. از سوی دیگر، حتی احزاب اسلامی آن آزادی را نداشتند که به تبلیغ مواضع سیاسی خود بپردازند و اندیشه‌های خود را براساس آموزه‌های دینی در خصوص تصمیم‌گیری‌ها و رخدادهای مهم بیان دارند. در الجزایر بزرگ‌ترین حزب اسلامی آن کشور از حضور در انتخابات محروم شده است. از این رو شمار زیادی از مردم الجزایر به دلیل غیرقانونی شدن حزب اسلامی الجزایر از حضور در انتخابات خودداری کردند و به نوشته نیویورک تایمز کمتر از چهل درصد مردم در انتخابات شرکت کردند که این امر بدون شک مشروعیت حکومت را خدشه‌دار می‌کند.<sup>(۵۹)</sup>

## در منطقه شرق آفریقا

یکی از ویژگی‌های احزاب اسلامی در دهه نود همانا مخالفت جدی با احزاب حاکم و برنامه‌های دولت‌های آفریقایی بوده است. حزب اسلامی کنیا به رهبری شیخ خالد بلالا به مدت دو سال موقعیت اقتصادی و سیاسی مومباسا را آشفته ساخته و با برگزاری تظاهرات که عمدتاً به دلیل رویارویی نیروهای انتظامی به آشوب کشیده می‌شد، شرایط آن شهر را که بزرگ‌ترین بندر اقتصادی شرق آفریقا به شمار می‌رفت متزلزل ساخته بود. سرانجام سرنوشت آن حزب با تبعید خالد بلالا و لغو شناسایی حزب پایان یافت.<sup>(۶۰)</sup> به نظر می‌رسد چالش جدی و پیگیرانه احزاب اسلامی با دولت‌ها مانع جدی برای تأسیس و گسترش آنها باشد. حتی در گینه که تمامی مردم مسلمان بودند حزب حاکم اجازه تشکیل حزب اسلامی را به مردم نداد و جناحی به نام شورای دموکراتیک اسلامی را در حزب تقویت کرد. حال آنکه آقای کنته از جمله رهبران ممتاز سازمان کنفرانس اسلامی به شمار می‌رفت و پس از مرگ به لقب مسلمان متعهد مفتخر گردید.

در سال ۱۹۹۵ جنبش آزادی‌بخش اسلامی اوگاندا تشکیل شده و با رفتارهای غیردینی حکومت موسوینی به مبارزه پرداخت. همان تلاشها منجر به پذیرش چند وزیر مسلمان در کابینه موسوینی شده است.<sup>(۶۱)</sup> در تانزانیا اگرچه حزب اسلامی اجازه فعالیت نیافت اما مردم مسلمان دارای تعهدات و پایبندی اسلامی بوده و حوادث موامبه چای، زنگبار ویمبا از آن روحیه حکایت دارد. گفتنی است که استعمار اجازه تشکیل حزب اسلامی را در تانزانیا و به کلی ممنوع کرد. البته، در سال‌های اخیر یک حزب اسلامی به‌عنوان بسم‌الله در پمبا فعالیت محدودی دارد.<sup>(۶۲)</sup>

از آنجا که تأسیس حزب اسلامی در بسیاری از کشورهای آفریقایی ممنوع اعلام شد، مسلمانان اجازه تحزب و پیگیری امور سیاسی را ندارند. دولتمردان چنین تصور می‌کنند که هر حزب سیاسی و به ویژه احزاب اسلامی به مفهوم حکومت در سایه است که بزودی با استقبال مردم قدرتمند شده و جایگزین حکومت آنها خواهد شد. در حال حاضر، در نبود احزاب اسلامی در کشورهای آفریقایی زیر خط صحرا، دیگر نهادهای اسلامی مانند سازمان‌های زنان مسلمان و مساجد، کارکردی همانند احزاب داشته و در جهت اصلاح امور کوشیده و به مثابه یک گروه فشار و حزب عمل می‌کنند.<sup>(۶۳)</sup> در زامبیا حزب اسلامی زامبیا<sup>(۶۴)</sup> به فعالیت‌های حزبی با استفاده از آموزه‌های اسلامی اشتغال دارد.<sup>(۶۵)</sup>

در آفریقای جنوبی نیز حزب اسلامی آن کشور از سهم مناسب خود برخوردار می‌باشد. آن حزب<sup>(۶۶)</sup> به‌رغم شمار اندک مسلمانان تلاش‌های خوبی در جهت انسجام اسلامی مردم آن خطه داشته است. آن حزب که در سال ۱۹۹۴ تأسیس شد دارای نماینده در مجلس است. رئیس آن حزب غلام سابدیا<sup>(۶۷)</sup> و رهبر آن امتیاز سلیمان بود و مسلمانان براساس تعهد و پایبندی حزب به آموزه‌های اسلامی بدان علاقه نشان می‌دهند.

در کومور در سال ۱۳۸۵ یک روحانی تحصیلکرده در ایران به نام احمد عبدالله محمد سامبی<sup>(۶۸)</sup> در انتخابات پیروز شد. اکنون در آن کشور جبهه ملی برای عدالت<sup>(۶۹)</sup> به رهبری احمد رشید<sup>(۷۰)</sup> فعال است. در رواندا حزب دمکراتیک اسلامی<sup>(۷۱)</sup> فعالیت دارد.<sup>(۷۲)</sup> در موریس نیز نهادی سیاسی با عنوان حزب الله تأسیس شد که در جهت تحقق اهداف سیاسی دینی می‌کوشد.<sup>(۷۳)</sup>

## غرب آفریقا

اینکه رادیکالیسم اسلامی از دهه نود به بعد در نیجریه رشد کرد و تاکنون در دوازده ایالت قانون شریعت قابل اجرا می‌باشد، ناشی از افزایش آگاهی سیاسی مردم است.<sup>(۳۴)</sup> همانگونه که استقلال و ملی‌گرایی برای مسلمانان هزینه بسیار در بر داشت<sup>(۳۵)</sup> تعدد احزاب و تشکیل حزب اسلامی نیز متضمن هزینه بسیار بوده ولی مسلمانان آفریقایی برای تحقق آن خواسته تلاش خواهند کرد. یکی از دلایلی که مردم‌سالاری و تحقق قانون در نیجریه رشد نکرد همانا بی‌اعتنایی به مذهب و باورهای الهی مردم مسلمان نیجریه است.<sup>(۳۶)</sup> در تانزانیا نیز نهادهایی مانند ورشاو، باکواتا (شورای علمای اسلامی تانزانیا)، مسودی، انصار السنه و اتحادیه جوانان دارای تلاش‌های دینی و معنوی بوده و برای انسجام اسلامی و یکپارچگی بین مسلمانان تلاش می‌کردند.<sup>(۳۷)</sup> در غرب آفریقا نیز برنامه‌ها و رویکردهای دولتمردان و به اصطلاح سیاست جنوب، مسلمانان ساحل عاج را منزوی و ناتوان کرد.<sup>(۳۸)</sup> این امر به تضعیف و سلب مشروعیت دولت ساحل عاج تبدیل شد. با اینهمه مسلمانان در تمام کشورهای آفریقایی تلاش می‌کنند که حضور خود را با استفاده از راهکارهای قانونی محسوس ساخته و در کاهش تبعیض نسبت به خود بکوشند.<sup>(۳۹)</sup>

مسلمانان آفریقایی به‌رغم مشکلات زمانه برای تحقق آموزه‌های اسلامی در راه استیفای حقوق خود تلاش کرده و از دشواری‌ها نمی‌هراسند. در سنگال سازمان جوانان سیاه پوست مسلمان خواسته‌های خود را که اسلام‌گرایی و آزاد سازی ملی بود بر سدار سنگور رئیس‌جمهور سنگال تحمیل کردند.<sup>(۴۰)</sup>

در مالی در سال ۱۹۸۱ اتحادیه مالیایی برای پیشرفت اسلامی تأسیس شد که بخشی

از هدف آن مبارزه با رشد اسلام انقلابی در آن کشور بود<sup>(۸۱)</sup> در نیجر نیز در سال ۱۹۷۴ مؤسسه اسلامی نیجر با هدف ایجاد وحدت در میان قبایل گوناگون نیجری با سلايق متفاوت سياسي تأسيس گرديد.<sup>(۸۲)</sup> اين حزب نقش رابط را بين بخش دولتي با گروه‌هاي اصلاح طلب اسلامي براي مقابله با چپگرايان اسلامي و گروه‌هاي متمايل به قذافي بازي مي‌کرد. دولت‌هاي آفريقي به رغم اينکه نسبت به اسلام نظر مساعدی نداشته اما تلاش مي‌کنند که جانب احتياط را رعايت کرده و موجب نگرانی مسلمانان و نهادهاي آنها نشوند.

از اين رو در تانزانيا و يا مالاوي در بخش‌هايي که مسلمانان در اکثريت بودند تلاش مي‌شد که روساي حزب عموماً باشند.<sup>(۸۳)</sup> با اينهمه به نظر مي‌رسد تلاش ویژه‌اي براي جلوگيري از تأسيس احزاب اسلامي در آفريقا در جريان باشد. به عنوان مثال، از هفتاد حزب موجود در کشور مالي هيچ حزبي از واژه اسلامي استفاده نکرده است. در حالیکه شمار معتنايبي از احزاب پسوندهاي ديمقراطيک و يا سوسياليست دارند<sup>(۸۴)</sup> و اين در حالي است که اکثريت مردم مسلمان و تنها دو درصد مسيحي مي‌باشند.<sup>(۸۵)</sup>

شوراي عالي اسلامي نيجریه در دسامبر ۲۰۰۷ از دولتمردان آن کشور به خاطر رفتار اشتباه نهادهاي امنيتي با مسلمانان انتقاد کرده است.<sup>۸۶</sup> نظر به جايگاه مهم مسلمانان در افزايش مشروعيت رژيم‌ها، رئيس جمهور کنيا آقای کيباکی در سخنراني انتخاباتي خود از علمای کنيایي خواست که نقش خود را در بسيج مسلمانان براي حضور در انتخابات به خوبی ايفا کنند.<sup>۸۷</sup> تنها حزب اسلامي رسمي در گينه، در برگزاري انتخابات آزاد، ديمقراطيک و منصفانه در چارچوب قانون انتخابات رياست جمهوري ابراز ترديد کرد و خواستار اصلاح اين قانون شد.

## شمال آفریقا

اگرچه بیش از نود درصد مردم شمال آفریقا مسلمان می‌باشند و به دین و آیین خود افتخار می‌کنند اما شمار تشکل‌های اسلامی در آفریقا کمتر از دیگر احزاب با اندیشه‌های سکولارو دنیا گرایانه است. این امر همانا به دلیل تنگناهایی است که دولت‌های غیردینی برای نهادهای دینی به وجود آورده‌اند.<sup>(۸۸)</sup> در شمال آفریقا، سنت اسلامی در بین مردم قوی و ریشه‌دار است. در الجزایر، مصر، سودان، موریتانی، لیبی و تونس جنبش‌های آزادی‌بخش را مسلمانان آغاز کرده و با ایثار خود موجب شکست استعمار شدند. در ۱۹۳۱ پدیدار شدن جمعیت علمای اسلامی الجزایر به رهبری عبدالرحمن بن بادیس نوعی تشکیل حزب و تمایل به کار سیاسی بود که در افزایش آگاهی مردم تأثیر بسیار داشت. جبهه آزادی‌بخش الجزایر اگرچه از همه گروه‌ها و احزاب تشکیل شده بود ولی در اعلام موجودیت خود در ۱۹۵۴ اعلام کرد که «هدف جبهه احیای دولت دموکراتیک و مستقل الجزایر در چارچوب اصول اسلامی است».

جنبش‌های اسلامی در شمال آفریقا و از جمله الجزایر پس از پیروزی انقلاب اسلامی رویکرد و تحول نوینی یافت و روند رو به رشد داشته است.<sup>(۸۹)</sup> در آنجا مردم مسلمان که به نوعی محروم از حقوق سیاسی بودند، در یافتند که اسلام توانایی هدایت جامعه را داشته و می‌تواند در جهت تحقق مدینه فاضله گام بر دارد. در دیگر بخش‌های آفریقا نیز پیروزی انقلاب اسلامی منجر به انگیزه و نشاط در مسلمانان شد و آنها را در راه تشکیل نهادهای سیاسی و حزبی فراگیر متحد و مصمم ساخت.<sup>(۹۰)</sup> لویترزون در کتاب تاریخ اسلام افزایش دانشجویان و اعزام علاقمندان به آموزش علوم دینی به کشورهای اسلامی

را نیز در رشد آگاهی دانش و تعهد اسلامی مردم آفریقا مؤثر می‌داند.<sup>(۹۱)</sup>

در حال حاضر نیز به‌رغم تنگناهای دولتی علیه مسلمانان، نهادهای اسلامی در الجزایر، جبهه رستگاری اسلامی بسیار مورد توجه مردم است و حتی در انتخابات ابتدایی بیش از آراء لازم راکسب کرد. انتخابات شهرداری‌ها در الجزایر به دلایل متعددی حائز اهمیت بوده و پیامدهای ناشی از نتایج آن انتخابات، در سطح ملی تأثیرگذار است. ورود جبهه آزادی‌بخش اسلامی به کارزار انتخاباتی در الجزایر در حالی صورت می‌گرفت که آن حزب در سال‌های قبل به دلیل برخی تصمیمات و سیاست‌های دولتمردان از حضور در انتخابات محروم بود.<sup>(۹۲)</sup> اکنون نیز بیش از دو دهه است که قوای سه‌گانه در دست ارتش و حزب حاکم مدافع دولت است. جبهه آزادی‌بخش الجزایر با شرکت در انتخابات محلی و با پیروزی در آن انتخابات، درصدد بود که این موقعیت را از آن خود کند که با تحریم مجدد روبرو گردید.

کشور سودان پس از استقلال، مراحل مختلفی را پشت سر گذارد و رویکردهای سیاسی متعددی را تجربه کرد که برخی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و برخی سکولار بود. آنچه مسلم است پیروزی بر استعمارگران به مدد اندیشه دینی اسلامی بود و تا چند سال پس از استقلال، رهبران این ویژگی را پاس می‌داشتند. در سودان در طول بیش از دو دهه، حزب سودان به‌عنوان جنبش حاکم با یک جهت‌گیری سوسیالیستی مبهم تأسیس و فعالیت کرده و تحرک و تلاش دیگر احزاب سیاسی را ممنوع اعلام کرد. معهذا مسلمانان به‌رغم تنگناهای ایجادشده، برای تحقق خواسته‌های اسلامی خود تلاش کرده و خواهان پیاده کردن آموزه‌های اسلامی بودند. اجرای قوانین شریعت در برخی کشورها نشان از آن

خواسته داشت.<sup>(۴۳)</sup> متأسفانه بسیاری از دولتمردان آفریقایی از سیاست هدایت از بالا پشتیبانی کرده و چندان جایگاه و اهمیتی برای مردم قائل نبودند.<sup>(۴۴)</sup> در سودان «جبهه ملی اسلامی» به رهبری حسن الترابی، مردم را به حضور در صحنه سیاسی تشویق کرد. هدف این جنبش، اسلامی کردن نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و پاک کردن جامعه از انحرافات جهان غرب و دنیای استکبار بود.

در سومالی در پی بیش از یک دهه نا آرامی و تنشهای قومی - قبیله‌ای سرانجام شورای محاکم اسلامی از سال ۲۰۰۵ قدرت را به دست گرفت و به تدریج آرامش و رونق اقتصادی را به کشور باز گرداند. آنها با تبلیغات کشورهای غربی و انتقاد سازمان‌های بین‌المللی روبرو شده و در نامه‌ای در پنج ژوئن ۲۰۰۶ هر نوع خشونت طلبی و همکاری با القاعده را رد کرده و هدف خود را بهبود شرایط سومالی اعلام کردند.<sup>(۴۵)</sup> ولی تلاش اتحادیه محاکم که پشتیبانی اکثر آحاد سومالی را در بر داشت با مخالفت دولت موقت و هم پیمانان خارجی آن روبرو شد و با حمله اتیوپی شوراهای اسلامی منحل و کشور به اشغال درآمد.<sup>(۴۶)</sup> تلاش گروه‌های اسلامی در سومالی برای حق حاکمیت و برخورداری از آموزه‌های دینی به رغم مخالفت دولت چپ‌گرای زیاد باره و سپس رویکرد لیبرالیستی وی در چند دهه ادامه یافت و به برخی پیروزی‌ها از جمله رسمیت یافتن دادگاه‌های اسلامی منجر گردید.<sup>(۴۷)</sup> آن خواسته و تلاش سرانجام در سال ۲۰۰۵ موفق به برخی تحول‌ها شده و موجب گردید که یک دوره نسبتاً آرام و پر انگیزه در آن کشور پدیدار گردد. اما اشغال سومالی توسط اتیوپی موجب وخامت شرایط مردم گردیده و سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای بزرگ در صدد مذاکره با نمایندگان مردم و شورای محاکم برای اعاده صلح در



سومالی هستند. (۹۸)

### تدبیرها و برنامه‌های احزاب اسلامی

احزاب اسلامی در واکنش به نیازهای کنونی جوامع آفریقایی و برای افزایش محبوبیت خود، هم در برنامه کلی و هم در سیاست‌های جاری شان تجدید نظر کرده‌اند. برای احزاب اسلامی مراکش، تونس، موریتانی و حتی دیگر احزاب اسلامی هدف اجرای آموزه‌های اسلامی به طور کامل نیست؛ بلکه آنها می‌خواهند با بهره‌مندی از آموزش‌های اسلامی و دیگر تجربیات مثبت کشورها جوامع خود را به رستگاری و پیشرفت مادی برسانند. آن احزاب به اصالت اسلامی خود باور داشته و می‌دانند که یک حزب اسلامی شمار زیادی از مردم را به خود جلب خواهد کرد. در الجزایر دولت با فعالیت احزاب اسلامی و به ویژه جبهه آزادی‌بخش اسلامی مخالفت کرده و آنرا غیرقانونی اعلام کرده است. این امر به رویارویی دولت و مردم و کشته شدن بیش از یکصد و پنجاه هزار نفر در ده سال گذشته انجامیده است.

احزاب اسلامی هدف خود را تحول در اخلاق جامعه، احیای اصول اسلامی، بهبود شرایط فقیرترین اقشار جامعه، اصلاح سیستم آموزشی، ارائه خدمات بیشتر به دانش‌آموزان، عنایت به زندگی خانوادگی و جایگاه زنان، رفع مشکل بیکاری، افزایش امکانات بهداشتی و همکاری بیشتر در زمینه‌های بین‌المللی اعلام کرده‌اند. احزاب اسلامی آفریقا آزادی و دموکراسی را در چارچوب اسلام می‌پذیرند و نمی‌خواهند از دموکراسی معنای نادرستی ارائه شود. به باور سلطان سکوتو که رهبری بیش از هفتاد میلیون مسلمان نیجریه را دارد و به عقیده ایشان اسلام و دموکراسی با یکدیگر مغایرتی ندارند.

بیشتر احزاب اسلامی آفریقا علل اصلی گسترش فساد مالی و رشوه خواری در نهادهای دولتی این قاره را مربوط به سیاست دولت‌های آفریقایی و طولانی شدن حضور آنها در بخش‌های دولتی عنوان کرده‌اند. بیشتر احزاب آفریقایی از دولت‌ها به خاطر انحصاری کردن قدرت و مانع شدن از انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی در کشورهای متبوع انتقاد کرده و برخی از آنها برای کسب قدرت بیشتر در جهت جذب مسلمانان برنامه‌های ویژه پیشنهاد می‌کنند.

#### ضعف و بی‌اعتنایی مسلمانان به امور سیاسی

واقعیت این است که در میان مسلمانان آفریقایی نشاط و تلاش لازم برای حضور در امور سیاسی و دایره تصمیم‌گیری مشاهده نمی‌شود. پاره‌ای از این کاستی ناشی از رویکرد ستمگرانه دولت‌ها نسبت به مسلمانان و بخشی نیز به دلیل کم‌اطلاعی آنها از مسائل جهانی و منطقه‌ای می‌باشد. پرفسور بکاری در مقاله‌ای با عنوان معضل بزرگ مسلمانان کنیا که در نشریه «آفریکا ایونتز»<sup>(۹۹)</sup> در لندن چاپ شد نوشت که حتی نمایندگان مسلمان مجلس کنیا که از مصونیت سیاسی برخوردار بودند نیز تلاش جدی برای طرح مشکلات موکلین خود مبذول نداشته و به همین جهت مردم از آنها ناامید شدند.<sup>(۱۰۰)</sup> بخشی از این امر به ضعف و بی‌اعتنایی مسلمانان به امور سیاسی و برخی به تظاهرات زمانه علیه آنان باز می‌گردد. اوگاندا با اینکه عضو سازمان کنفرانس اسلامی است ولی احزاب اسلامی در آنجا اجازه فعالیت نداشته و مردم مسلمانان مجبورند به احزاب دیگر رای دهند.<sup>(۱۰۱)</sup> دولت‌های پسا استقلال نسبت به تلاش و فعالیت نهادها و گروه‌های اسلامی بدبین بوده و به همین جهت آنها را در تنگنا قرار داده و از رسمی شدن برنامه‌های اسلامی که ممکن

بود به تقویت نیروهای مسلمان و در خطر افتادن منافع دولتمردان بیانجامد جلوگیری می‌کردند. به زعم دولت‌های آفریقایی، اسلام‌گرایان یک تهدید بالقوه برای انتقال قدرت به دولت سکولار در آفریقا بوده‌اند.<sup>(۱۰۲)</sup> علی مزروعی تنگناهای دولتی در حق مسلمانان کنیا را نادرست قلمداد کرده و ادامه آن را منجر به تشکیل انتفاضه در شرق آفریقا می‌داند.<sup>(۱۰۳)</sup> دیگر حکومت‌ها مانند موزامبیک نیز موانع بسیاری برای نهادهای دینی ایجاد کرده‌اند «که موجبات اختلال در امنیت آن جوامع را فراهم خواهد کرد.»<sup>(۱۰۴)</sup> البته دولت موزامبیک در سال ۱۹۸۳ شورای ملی مسلمانان موزامبیک را به رسمیت شناخته و مسلمانان اجازه تبلیغ و تلاش‌های سیاسی را پیدا کردند.<sup>(۱۰۵)</sup> در موزامبیک در سال ۹۴ میلادی ۴۲ نفر از ۲۵۰ نماینده مجلس مسلمان بودند.<sup>(۱۰۶)</sup> واقعیت این است که مسلمانان آفریقایی نسبت به باورهای دینی و آموزه‌های اسلامی خود ثابت قدم بوده و اگر بیم از مخالفت و دشمنی دولت‌ها نبود در ترویج و تبلیغ آیین خویش بیشتر تلاش کرده و در آن راه از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کردند. چنانکه برخی از مسلمانان آفریقایی که به اجبار به برزیل برده شدند در گسترش اسلام در آن خطه کوشیده و مؤثر واقع گشتند.<sup>(۱۰۷)</sup>

البته خواسته مسلمانان مبنی بر تأسیس نهادهای حزبی با توجه به روحیه جهادی در میان مسلمانان<sup>(۱۰۸)</sup> عموماً با موافقت دولتمردان آفریقایی پس از استقلال روبرو نمی‌شد. متأسفانه به دلیل رقابتی که دول استعماری در بین مردم آفریقا ایجاد کرده بودند، نوعی رویارویی و تنش دینی بین مسلمانان و مسیحیان به ویژه پس از استعمار مشاهده می‌شود که گهگاه موجب سرکوب تمایلات دینی مردم مسلمان کشورهای آفریقایی و از جمله کنیا شده و زیان‌های بسیار به بار می‌آورد.<sup>(۱۰۹)</sup>

در واقع، رفتار نامناسب نسبت به مسلمانان و بی‌توجهی به تناسب جمعیتی و حقوق آنها از سوی دولتمردان در بسیاری از کشورهای قاره مشهود است. با اینکه قبل از استعمار احزاب و نهادهای سیاسی صنفی بسیاری در آفریقا تأسیس شده بود ولی دولت‌های پسا استقلال اجازه تلاش سیاسی آزادانه به احزاب اسلامی ندادند.<sup>(۱۱۰)</sup> پس از استقلال نیز در تمام کشورهای آفریقایی جدایی دین از سیاست با هدف کنار گذاشتن مسلمانان و جلوگیری از دخالت سازمان‌های اسلامی در سیاست صورت گرفته است.<sup>(۱۱۱)</sup>

شماری از رهبران آفریقایی پس از استقلال به شیوه استبدادی روی آورده و تک حزبی را تبلیغ و با مخالفان بدرفتاری پیشه کردند.<sup>(۱۱۲)</sup> در بورکینا فاسو که حداقل بیست و پنج درصد مردم مسلمان می‌باشند.<sup>(۱۱۳)</sup> در اواسط دهه هشتاد دولت سانکورا<sup>(۱۱۴)</sup> احزاب و نهادهای اسلامی را به دلیل اینکه آیین اسلام با مدرنیسم مخالف است، تحت فشار قرار داد و تبلیغات آنها را غیرقانونی اعلام کرد.<sup>(۱۱۵)</sup>

از آنجا که در برخی کشورهای آفریقایی از جمله نیجریه اتحاد قبایل مسلمان و رویکرد اسلامی از جمله تهدید به دیگر گروه‌ها تلقی می‌شد از این رو مسلمانان در آن کشورها اجازه تلاش دینی سیاسی نیافته و مجبور بودند با حضور در احزاب دیگر و تشکیل فراکسیون مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برخی اهداف خود را پیگیری کنند. چنانکه در جمهوری دوم نیجریه این امر اتفاق افتاد و سیاست کلان کشور رنگ اسلامی به خود گرفت.<sup>(۱۱۶)</sup> غرب آفریقا و به ویژه نیجریه، سابقه دویست ساله جهاد و امارت اسلامی را داشته و هنوز نیز سلاطین سکوتو به آن اعتبار در نزد مسلمانهای نیجریه محترم و معززند.<sup>(۱۱۷)</sup> برخی دولتمردان آفریقا ادعا می‌کنند که می‌خواهند کشور را به طریقه سکولار

اداره کنند و در مورد احزاب دینی و به ویژه اسلامی شدت عمل نشان می‌دهند. اما در همان حال در مورد احزاب چپ حساسیت نشان نمی‌دهند و حال آنکه مارکسیسم نیز نوعی باور است که شکل مذهب و آیین پیدا کرده و بر نهادهای مملو از باورهای شبه مذهبی پا گرفته است.<sup>(۱۱۸)</sup> یا این که وزیر اخلاق اوگاندا از مسیحیان خواسته است که در مسائل سیاسی حضور جدی و فعال داشته باشند.<sup>(۱۱۹)</sup>

در حال حاضر وضعیت به گونه‌ای است که از یک طرف احزاب حاکم که عمدتاً وابسته به نخبگان دولت‌های پیشین بوده خود را دارای مشروعیت ملی - تاریخی دانسته و ادعای فرا گیر بودن دارند (مانند حزب فورده اصیلی و کانو در کنیا) از این رو به نظر آنها ضرورتی برای تأسیس یک حزب اسلامی جدید وجود ندارد. حتی بسیاری از احزاب بزرگ در آفریقا ترجیح داده و می‌دهند که با طرح نظرات و خواسته‌های مسلمانان در جذب آراء آنان کوشیده ولی از تأسیس احزاب اسلامی مستقل استقبال نمی‌کنند به‌عنوان مثال حزب فورده اصیلی کنیا به مسلمانان قول داده که در صورت پیروزی دادگاه‌های شریعت را قانونی کند.

#### چالش‌های احزاب اسلامی

شاید مهم‌ترین مسئله در تأسیس حزب اسلامی در آفریقا تأمین منابع مالی آن باشد. البته مقررات اینکار در کشورهای مختلف آفریقایی متفاوت است و همین امر بر شکل‌گیری و روند تأسیس حزب اسلامی در هر کدام از کشورها تأثیر می‌گذارد.<sup>(۱۲۰)</sup> احزاب اسلامی از نظر مالی مورد پشتیبانی چندانی قرار نگرفته‌اند و تلاش آنها محدود است. در زمینه تبلیغات نیز نقش تأمین منابع مالی بسیار است در تمام آفریقا مردم برای مسائل دینی

هزینه می‌کنند ولی برای کمک به احزاب از سوی مردم تلاش چندانی صورت نمی‌گیرد.<sup>(۱۲۱)</sup>

احزاب اسلامی نیز در جهت منسجم ساختن مسلمانان و پیشبرد اهداف خود تلاش می‌کنند. با توجه به نقش و نفوذ مسلمانان حتی احزاب غیراسلامی نیز با ساختن مدارس و مساجد و با ارائه کمک‌های انسانی به مسلمانان نیازمند، آنها را به خود جذب می‌کنند. البته دولت‌های آفریقایی به‌رغم پذیرش تعدد احزاب، همچنان نگرش مثبتی نسبت به احزاب اسلامی نداشته و بر این باورند که انجام اصلاحات از طریق احزاب فراگیر و بدون تأکید بر ابعاد دینی یا نژادی مناسبتر و مفیدتر است. البته آنها مانع شکل‌گیری احزاب قبیله‌های نخواهند شد همچنانکه در انتخابات اخیر کنیا به شهادت تمامی جراید مبارزه اصلی بین کیکویوها و دیگر قبایل به رهبری لوا بوده است.<sup>(۱۲۲)</sup> همان معدود احزاب اسلامی فعال در آفریقا اکنون بیشتر جانب احتیاط را مراعات کرده و از برخی خواسته‌های خود صرف‌نظر کرده و براساس شرایط و مقتضیات مطالبات خود را مطرح می‌کنند. احزاب اسلامی آفریقا علاوه بر طرح خواسته‌های خود که گهگاه مغایر با سیاست‌های دولت‌های غیرمذهبی قاره و مبارزه با آنها می‌باشد. اکنون توجه خود را به مسائل گسترده‌ای معطوف داشته و چشم‌انداز فراگیرتری دارند. از آنجمله می‌توان به آموزش، کرامت انسانی، آزادی و حقوق زنان اشاره کرد.

در واقع احزاب آفریقایی تنها در صورتی می‌توانند در فرایند مردم‌سالاری و اداره حکومت نقش مؤثر و فعالی داشته باشند که از سازمان‌ها و گروه‌های اسلامی بهره ببرند در این راستا با کاهش نگرانی مسلمانان آفریقایی، اطمینان آنها را به خود جلب کنند. امنیت و

توسعه پایدار در آفریقا به حضور فعالانه همه گروه‌ها و از جمله مسلمانان که نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند بستگی دارد و این امر به آموزش سیاسی افراد، میزان تعهد دولت و گروه‌ها به رفع موانع ملی، تعهد دولت به اجرای قوانین و همکاری نزدیک بین دولت و احزاب مخالف بستگی دارد.<sup>(۲۳)</sup>

آزادی، عدالت و توسعه که تمامی احزاب اسلامی و غیر اسلامی بر آن تأکید دارند، به گمان بسیاری درمان مشکلاتی خواهد بود که در سایه کشمکشهای نژادی و دینی در دل ملت‌های آفریقایی شعله ور شده است. در حالیکه بسیاری از احزاب غیر حاکم و مهم در کشورهای آفریقایی سابقه بعضاً چند ساله دارند و معمولاً قدرت را متناوباً با یکی دو حزب دیگرین خود تقسیم می‌کنند، مسلمانان در این کشورها از آن نگرانند که راه بر روی احزاب جدید اسلامی بسته باشد. این امر بستگی به نظام سیاسی دارد. به عنوان مثال با اینکه آفریقای جنوبی کشور اسلامی نیست ولی تحزب و گروه‌گرایی اسلامی در آن آزادتر از بسیاری از کشورهای اسلامی است. حزب اسلامی آن کشور پنج کرسی دارد. در آنجا و بعضی نظامها و مخصوصاً کشورهایی که انتخابات به روش نمایندگی تناسبی صورت می‌گیرد احزاب جدید اسلامی می‌توانند رشد و نمو کنند.

در هزاره سوم مسئولین کشورهای آفریقایی، هر کدام طی بیانیه‌ای بر لزوم مشارکت گروه‌های اسلامی و احزاب سیاسی در انتخابات و سهم‌گیری آنان در ساختار سیاسی آینده تأکید کرده‌اند. اما آنها کمتر تمایل به شناسایی احزاب اسلامی دارند. در کنیا به‌رغم جمعیت سی در صدی مسلمانان و علاقه آنها به حضور در مسائل سیاسی این امتیاز از آنها سلب شده و آنها از داشتن حزب اسلامی محروم هستند. در چهل سال گذشته مسلمانان

به دلیل بی‌توجهی حکومت به آنها انتخابات را جدی نگرفته و بدان اهمیتی نداده‌اند. در انتخابات اخیر کنیا برنامه حزب فورد اصیلی برای جذب مسلمانان، کسب امتیاز بیشتر برای آنها، تأسیس کالج اسلامی در مومباسا، ترویج یک سیاست اقتصادی بازار آزاد و افزایش رفاه اجتماعی در حد کفایت، بوده که خواست مسلمانان آن سرزمین می‌باشد.

از سوی دیگر مشارکت مسلمانان با احزاب دیگر آنگونه که از سوی احزاب غیردینی از جمله در انتخابات دسامبر ۲۰۰۷ کنیا تبلیغ گردیده چندان سودمند نیست. زیرا پیوند مسلمانان در بدنه جامعه سنتی با فرهنگ سیاسی عشیره‌ای و هنجارها و ارزش‌های متفاوت کاری است که به فرهنگ‌سازی و گفتمان‌نیاز داشته و در کوتاه‌مدت نمی‌تواند محقق گردد. به ویژه آنکه احزاب پس از نیل به قدرت وعده‌های خود را فراموش کرده و مسلمانان باید همچنان بی‌عدالتی و تبعیض را تجربه کنند. در بسیاری از مواقع به دلیل ساختارهای فکری متفاوت بین مسلمانان و عدم سازگاری، ائتلاف به شکست، کاهش دوستی و همکاری می‌انجامد. از جمله دو حزب بزرگ اسلامی نیجریه به‌رغم رویارویی با گروه‌های مسیحی و تهدید از جانب آنها در محیط پرتنش نیجریه بنا به باورهای سنتی با یکدیگر به چالش برخاسته و در امور سیاسی و اقتصادی با یکدیگر مخالفت می‌کردند.<sup>(۱۳۴)</sup>

پیدایش و استقبال مردم از حزب اسلامی کنیا به‌رغم اشتباهات آن نشان از عنایت مسلمانان به احزاب مربوط به خود و استقبال از تشکل‌های سیاسی می‌دهد.<sup>(۱۳۵)</sup> پرفسور بکاری متعاقب غیرقانونی اعلام شدن حزب اسلامی، در مقاله‌ای مشکل مسلمانان کنیا راضعف نمایندگان صالح و شایسته می‌داند و اینکه اگر حزب اسلامی تشکیل شود آن نقیصه مرتفع خواهد شد.<sup>(۱۳۶)</sup> در آفریقا به گفته بایارت حضور در صحنه سیاسی به قصد پر



کردن جیب است و سیاستمداران به مشکلات مردم توجهی ندارند.<sup>(۱۲۷)</sup> پرفسور مزروعی نیز رفتار آمرانه و نامناسب دولت‌های آفریقایی با مسلمانان را نوعی استعمار داخلی می‌داند که به ضرر جامعه تمام خواهد شد.<sup>(۱۲۸)</sup>

در کشورهای آفریقایی که گروه‌ها و نهادها دارای سهمیه می‌باشند حضور مسلمانان مشهودتر و ملموس‌تر و حتی عدم انتخاب آنها نیز آموزنده و مؤثر است. از جمله حزب اسلامی زیمبابوه به‌رغم جمعیت اندک مسلمان مورد شناسایی قرار گرفت و در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۷ شرکت کرد اما در جذب رأی دهندگان و کسب آرای طرفداران خود در قشر متوسط ناکام ماند و اکنون کم‌طرفدار است.

#### ویژگی رهبران پسا استقلال

اما رهبران آفریقایی پس از استقلال بجای نهادینه کردن امور و برنامه ریزی برای پیشبرد کارها در تقویت کیش شخصیت خویش کوشیده و موقعیت خویش را تقویت کردند.<sup>(۱۲۹)</sup> آن جنبش‌ها آن رهبران تجربه‌چندانی در اداره امور کشور نداشته و نیل آنها به قدرت موجب افزایش غرور و زیاده‌خواهی برخی از آنها شد. در واقع، رهبرانی که پس از استقلال انتخاب شدند هیچ‌کدام تجربه اداره یک شهر را نیز نداشتند و چگونه می‌توانستند کشور را اداره کنند.<sup>(۱۳۰)</sup> به ویژه آنکه آنها نیز به سرعت با هر نوع تحزب و دسته‌بندی به بهانه اینکه موجب انحراف و از دست رفتن یکپارچگی و یگانگی ملت می‌شود مخالفت کرده و راه را برای تحقق تک‌حزبی و نوع خاصی از استبداد در کشورهای خود هموار ساختند.

البته دلایل فقدان احزاب توانمند و پر شور پس از کسب استقلال متفاوت بود و از

جمله عوامل می‌توان به ویژگی تک‌روی دولتمردان، فقدان تربیت سیاسی، فرهنگ مردم‌سالاری، شرایط نابسامان اقتصادی و بی‌توجهی دولتمردان به باورهای دینی مردم اشاره کرد. در آفریقا رهبران احزاب اگرچه از میان روشنفکران تحصیلکرده غرب می‌باشند ولی عموماً با زمینه‌های طبقاتی بالا و برخوردار از موقعیت مناسب قبیله‌ای انتخاب می‌شوند. به همین دلیل آنها به جایگاه و تعهدات قبیله‌ای خود بیشتر از رسالت اجتماعی اهمیت می‌دهند.<sup>(۱۳۱)</sup> متأسفانه، هنوز احزاب آفریقایی شخص محور بوده و برنامه‌ها و آینده‌نگری احزاب چندان در جذب مردم مؤثر نیستند. یارادوا رئیس جمهور نیجریه، عبدالله واد، در سنگال، اودینگا در کنیا، امبکی و زوما در آفریقای جنوبی همه از فرزندان روسای قبایل بوده و از موقعیت اجتماعی مهمی برخوردار بوده‌اند.

#### دلایل رویکرد افراطی گروه‌های اسلامی

بی‌اعتنایی به خواست‌های مسلمانان و سرکوب آنها موجب می‌شود که به قول مزروعی «انتفاضه سیاه» در سواحل شرق آفریقا تشکیل شده و ثبات و حاکمیت دولت‌ها را خدشه‌دار کند.<sup>(۱۳۲)</sup> پاسخ دولت‌های آفریقایی به خواست قانونی و حق طلبانه مردم مسلمان معمولاً تغییر رهبران گروه‌های اسلامی و یا تلاش برای تأسیس نهادهای جدید و غیرقانونی اعلام کردن موسسات فعال اسلامی است.<sup>(۱۳۳)</sup> این امر فرایند اسلامی شدن موسسات و گروه‌ها را به تاخیر انداخته و یا مانند اوگاندا منجر به تشکیل ارتش آزادی‌بخش مسلمانان و مقابله با دولت خواهد شد.<sup>(۱۳۴)</sup> اما همانطور که حسن ترابی اظهار داشته اسلام یک نیروی جدید و غیر قابل انکار در جوامع آفریقایی بوده و موجی جدید ایجاد خواهد کرد و اگر به طور مسالمت‌آمیز به آن اجازه فعالیت داده نشود به اشکال دیگر

نمودار خواهد شد.<sup>(۱۳۵)</sup>

در دو دهه اخیر مشاهده می‌شود که برخی گروه‌های اسلامی رویکردهای افراطی برای مقابله با دولت‌ها اختیار کرده و مراجع رسمی را چندان معتبر و قانونی نمی‌دانند. این امر که بیشترین نمود آن در الجزایر مشهود است و به تدریج دامنه آن به دیگر کشورهای شمال آفریقا کشیده شده و واکنشی به تعامل زورمدارانه دولت‌ها با نهادهای مردمی و فراگیر اسلامی است.<sup>(۱۳۶)</sup>

هنگامی که تلاش‌های قانونی به علت فشار دولتمردان و متنفذین به نتیجه نمی‌رسید در برخی کشورها مسلمانان به تلاش‌های مسلحانه علیه دولت‌ها آنها در مقیاس اندک روی می‌آوردند.<sup>(۱۳۷)</sup> در الجزایر جبهه اسلامی الجزایر بیشترین طرفدار را در میان مردم دارد و مورد اعتماد مسلمانان است. اما دولت از حضور نمایندگان آن حزب در انتخابات ۲۰۰۷ جلوگیری کرده و آنها را از حق قانونی خود محروم ساخت. واقعیت این است که وقتی گروهی ولو اقلیت اجازه فعالیت سیاسی نیابند از روند امور ناامید شده و به جای اینکه خود را عضوی از جامعه بدانند، گروهی غیر خودی محسوب کرده و به راه‌های خشونت آمیز تمسک می‌جویند.<sup>(۱۳۸)</sup>

این نکته از سوی همه پژوهشگران مورد تأیید قرار گرفته که اسلام در آفریقا در مقابل بیگانگان مقاومت جدی داشته و برای آزادی و استقلال قاره تلاش بسیار کرده است.<sup>(۱۳۹)</sup>

در شرق آفریقا نیز به نظر می‌رسد که مسلمانان از جایگاه خود ناخشنود بوده و معترض می‌باشند. اینکه کشورهای غربی بر مبارزه با تروریسم در شرق آفریقا تأکید بسیار

دارند ناشی از این تصور نا درست است که برخی حملات به شهروندان و نهادهای غربی به وسیله مسلمانان سازماندهی می شود. آنها برخی مخالفت‌ها و انتقادهای مسلمانان از جهان غرب را که ناشی از روحیه ظلم‌ستیزی مردم مسلمان و محروم آن خطه است با حملات تروریستی که به تجربه آشکار شده که سرچشمه خارجی دارد همسان دانسته و بیش از گذشته مسلمانان آن منطقه را در تنگنا قرار می دهد. اما همانگونه که آقای کوفور فقر را عامل اصلی تروریسم می داند باید به رفع این پدیده در شرق آفریقا همت گمارده و موجبات خشنودی مسلمانان را پدید آورد.<sup>(۱۴۰)</sup>

#### دلایل عمده عدم کارآیی تحزب در آفریقا

رویکرد چند حزبی برای دومین بار در کشورهای آفریقا در دهه نود آغاز شد و به تدریج دولتمردان کشورهای آفریقایی به توصیه سازمان‌های بین‌المللی این فرصت را برای مردم فراهم آوردند که به تأسیس نهادهای سیاسی پرداخته و براساس خواسته‌های سیاسی خود منسجم و سازماندهی شوند. نخستین دوره رویکرد چند حزبی در آفریقا مقارن با دوران استقلال بود که به دلیل نهادینه نشدن مردم‌سالاری و فقدان ساختار، دولتی مستعجل بود. سیاسی شدن مردم در آفریقا پیوند مستقیمی با حضور استعمار و مقابله مردم با آن پدیده دارد. در این خصوص مسلمان‌ها به دلیل آموزه‌های اسلامی و عدم پذیرش سرپرستی بیگانگان که به زعم آنها کافر بودند، آمادگی بیشتری داشته و پیش از پدیدار شدن جنبش‌های بومی و مسیحی به مبارزه پرداختند. در این خصوص اظهارات سلطان سکوتوخلیفه آتاهیرو دان احمدو به فرماندار استعماری لوگارد<sup>(۱۴۱)</sup> مبنی بر کافر بودن وی و ضرورت مبارزه با استعمار به دلیل آموزه‌های اسلامی و دینی قابل توجه است.<sup>(۱۴۲)</sup>

دلیل عمده فقدان تحزب در آفریقا را در قرن بیستم باید سلطه بیش از نیم قرن استعمار و متلاشی ساختن بنیادهای بومی حکومت در آفریقا دانست. در آفریقا به طور سنتی سالمندان و ریش سفیدان قبیله مورد مشورت روسا قرار گرفته و صلاحدید آنها مورد توجه واقع می‌شد.

دلایل فقدان احزاب توانمند و پرشور پس از کسب استقلال متفاوت بود و از جمله عوامل می‌توان به ویژگی تک روی دولتمردان، فقدان تربیت سیاسی و فرهنگ مردم‌سالاری، شرایط نابسامان اقتصادی و بی‌توجهی دولتمردان به باورهای دینی مردم اشاره کرد.<sup>(۱۳۳)</sup>

یکی از علل اصلی ناکامی مسلمانان در آفریقا استعمار کشورهای آفریقایی بود که مردم را از فرهنگ و ارزش‌های خود جدا ساخته و ارزش‌های جدیدی را وضع کرد. پیش از حضور استعمار، سلطه مسلمانان بر سواحل شرقی، شمال و بیشتر غرب آفریقا تثبیت شده بود.<sup>(۱۳۴)</sup> حتی برخی از تلاش‌های مسلمانان در قرن نوزده و بیست به تأسیس حکومت‌های اسلامی در غرب و شرق آفریقا انجامید. اما به باور بوردیو<sup>(۱۳۵)</sup> برخی از حکومت‌ها به احزاب اسلامی به‌عنوان حکومت‌های آینده و در سایه نگریده و با آنها مخالفت کرده و می‌کنند.<sup>(۱۳۶)</sup> اما برای مسلمانان سیاست و مذهب غیر قابل تفکیک هستند.<sup>(۱۳۷)</sup> از سوی دیگر برخی احزاب اسلامی نیز با یکدیگر مخالفت و دشمنی می‌کردند. دو حزب اسلامی ان پی سی و نیو در شمال نیجریه اگرچه بر محور تمایلات اسلامی شکل گرفته بودند اما با یکدیگر از جهت شیوه عمل و رویکرد مخالفت کرده و در تضعیف یکدیگر می‌کوشیدند.<sup>(۱۳۸)</sup> در اوگاندا شورای عالی مسلمانان<sup>(۱۳۹)</sup> با انجمن ملی پیشرفت مسلمانان<sup>(۱۴۰)</sup>

آن کشور مخالفت و ستیزه داشت که طبعاً به تضعیف دو گروه می‌انجامید.<sup>(۱۵۱)</sup> در دو دهه هفتاد و هشتاد به دلیل وخامت اقتصادی کشورهای آفریقایی تلاش‌های مذهبی و مقبولیت آن فزونی گرفته و اندیشه سکولاریستی کاستی می‌یافت.<sup>(۱۵۲)</sup> آفریقا در آستانه قرن بیست و یکم براساس مذهب تقسیم شده<sup>(۱۵۳)</sup> و این امر در تشکل‌های سیاسی آنها متجلی خواهد شد. در دهه هشتاد اندیشه اسلامی در آفریقا قدرت گرفته و مراجعه به قرآن به‌عنوان توجیه سیاست‌ها در سنگال، سومالی، موریتانی، کامرون و گابن مشهود بوده است.<sup>(۱۵۴)</sup>

از دیدگاه حکومت‌های آفریقایی، مشارکت در قالب‌های سنتی و قبیله‌ای اولویت بیشتری داشته است. اما براساس قانون اساسی جدید، تأکید اتحادیه آفریقا و نیز مطالبات جامعه ضرورت دارد که رقیبان و احزاب منتقد تحمل شوند. آنها دریافته‌اند که تقویت و توسعه احزاب سیاسی به صلاح مملکت است زیرا همگرایی، نزدیکی افکار و سلیقه‌ها را به دنبال دارد و برای قاره ای همچون آفریقا که دموکراسی را تجربه می‌کند، فرصت ملی و تاریخی است و به تقویت و اعتبار نظام می‌انجامد. با وجود همه فراز و نشیب‌ها، رونق و توسعه احزاب سیاسی در آفریقا یک ضرورت تاریخی است، زیرا پیش از استقرار نظام‌های بومی، حاکمیت و ملت همواره با هم بیگانه بودند و ارتباط حکومت و ملت براساس زور و ترس رقم می‌خورد. واقعیت این است که مباحث اجتماعی - سیاسی و عوامل فرهنگی موجب حاشیه نشینی آفریقا شده است.<sup>(۱۵۵)</sup> چون احزاب سیاسی الزامات اعتمادسازی دولت و ملت را فراهم می‌کنند، ضرورت دارد که احزاب ملی تقویت شوند.<sup>(۱۵۶)</sup> با اینهمه فضای آزاد برای تأسیس یک حزب اسلامی در بسیاری از کشورهای آفریقایی و از جمله غنا

به‌رغم تمایلات ملی‌گرایانه و آزادیخواهانه هنوز به وجود نیامده است و آن کشور پذیرای تأسیس یک نهاد اسلامی نمی‌باشد.<sup>(۱۵۷)</sup>

#### رشد احزاب دینی در هزاره سوم

در هزاره سوم احزاب دارای تمایلات دینی نیز جایگاه مهمی در جوامع آفریقایی پیدا کرده‌اند.

به ویژه آنکه اعتلای آگاهی مردم به افزایش حضور آنها با رویکرد دینی در حوزه دین انجامیده است.<sup>(۱۵۸)</sup> برخی پژوهشگران نیز تحولات دینی را در سایه مدرنیسم و تأثیر آن بر آفریقا تفسیر و توجیه می‌کنند.<sup>(۱۵۹)</sup>

واقعیت این است که اندیشه مذهبی و فلسفی در آفریقا پیوسته در حال رشد بوده و بر زندگی مردم تأثیر گذارده است.<sup>(۱۶۰)</sup> از این رو در زمانی که فشارها و مظالم استعماری و استکباری در آفریقا اندکی کاهش یافته است نمی‌توان انتظار داشت که مردم به آموزه‌های مذهبی به ویژه در امر سیاست بی‌اعتنا باشند. به ویژه آنکه از یک سو شواهد بسیاری دال بر باز گشت دین در آفریقا به حوزه سیاست<sup>(۱۶۱)</sup> و مظالم و سیاه‌نمایی دولتمردان پس از استقلال که موجب ناامیدی مردم از حکومت‌های سکولار شده می‌توان یافت.

اسلام و مسیحیت تأثیر بسیاری در نیم قرن اخیر بر مردم آفریقا داشته‌اند.<sup>(۱۶۲)</sup> شاید در گذشته گروه‌های مسیحی از مداخله در امور سیاسی روی گردان بودند اما اکنون نهادهای مسیحی آفریقایی دیگر باور ندارند که وظیفه آنها عنایت به زندگی معنوی و اخلاقی مردم بوده و ضروری است به تحولات اجتماعی و سیاسی نیز توجه ویژه دارند.<sup>(۱۶۳)</sup> حتی در برخی کشورها مثل نامیبیا و کنیا احزاب مسیحی نیز تأسیس شده و فعالند. نگاه

مردم آفریقا و از جمله کنیا به مسائل کشور و جهان همواره با رویکرد دینی بوده است. در سال ۱۹۸۲ همایش بزرگی در غنا برگزار شده و سخنرانان به رهبران سیاسی اعلام داشتند که جامعه غنا دین محور است و هیچ انقلابی نمی‌تواند آن رویکرد را از جامعه سلب کند.<sup>(۱۶۲)</sup> اکثر پژوهشگران بر این باورند که «نقش ادیان و مذاهب در سیاست آفریقایی غیر قابل انکار است»<sup>(۱۶۳)</sup> این امر را به روشنی می‌توان در عضویت نیجریه و تانزانیا در سازمان کنفرانس اسلامی به دلیل تمایل احزاب و گروه‌های اسلامی و باز پس گرفتن عضویت آن کشورها به اصرار سازمان‌های مسیحی مشاهده کرد.

در سال‌های نخست استقلال در بسیاری از کشورهای آفریقایی مذهب یک امر شخصی تلقی می‌شد و در امور سیاسی کمتر نمود داشت. قوام نکرومه که از رهبران استقلال و دولتمردان دلسوز آفریقا محسوب می‌شود در خصوص مذهب نظری دارد که می‌توان گفت وجه غالب در میان رهبران پس از استقلال بوده است. به باور آنها دین و آموزه‌های دینی باید در روابط شخصی و خصوصی فرد مشاهده شود و نیازی به بیان عمومی و تجلی آنها در جامعه نیست.<sup>(۱۶۴)</sup> در آن دوره به‌رغم ممانعت از تأسیس احزاب اسلامی از سوی دولت‌ها، نهادهای مذهبی بسیاری در آفریقا تأسیس شده و در جهت بهبود شرایط مردم فعالیت کرد. حتی به‌رغم اینکه آن نهادها جنبه رفاهی داشتند اما به تدریج از جایگاه خود برای طرح خواسته‌ها و مطالبات مردم از دولتمردان استفاده کردند.<sup>(۱۶۵)</sup> به‌عنوان مثال، در شمال نیجریه اسلام زبان اعتراض مسلمانان و در سنگال «مربوط‌ها» زبان مردم ناراضی و کشاورزان معترض بودند. احزاب اسلامی حتی در کشور نیجریه که یک ششم جمعیت مسلمانان آفریقا و نیمی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده هنوز



اجازه فعالیت ندارند.<sup>(۶۸)</sup> این امر شاید به دلیل مخالفت آشکار و دیر پای دولتمردان نیجریه و بسیاری از دولت‌های آفریقایی با تأسیس و حضور نهادهای اسلامی در آفریقا باشد. «در دوران پس از استقلال در بسیاری از کشورهای آفریقایی اسلام در حاشیه قرار داشته و چندان مورد عنایت دولت‌ها نبود».<sup>(۶۹)</sup>

### نتیجه‌گیری

در بسیاری از کشورهای اسلامی آفریقا احزاب اسلامی توانایی بسیاری در جذب مردم دارند و می‌توانند مردم را برای حضور در انتخابات ترغیب کنند. این توانمندی محصول آموزه‌های اسلامی و تعهد گروه‌های اسلامی به بهبود شرایط مردم است. در حالی که دیگر احزاب غیراسلامی چندان مورد عنایت مردم مسلمان نبوده و در طول چند دهه تلاش و حضور در دایره تصمیم‌گیری کارنامه خوبی از خود بر جای نگذاشته‌اند. البته باید اذعان کرد که نهادهای دینی مسیحی نیز اگر به سیاست روی آورند مورد استقبال و اعتماد مردم خواهند بود.

بیم احزاب حاکم در آفریقا این است که احزاب اسلامی پرچمدار دگرگونی و تغییر رهبری باشند. احزاب اسلامی در برنامه‌های خود علاوه بر تأکید بر نقاط ضعف سیاست‌های دولت از جمله بیکاری، فساد، فقدان امکانات آموزشی، بهداشتی و امنیت اجتماعی برنامه‌های زمانبندی خود را که متضمن پیشرفت و توسعه باشد ارائه می‌دهند. آنها حقوق بشر، رفع مشکلات و مسائل مالی و اقتصادی را نیز مورد توجه قرار داده‌اند.

حوادث اخیر کنیا و بررسی دیگر انتخابات در آفریقا نشان می‌دهد که نه تنها احزاب اسلامی که حتی گروه‌های مسیحی و حکومت‌ها نیز قربانی فرهنگ استبدادی و مبتنی بر

تبعیض در آفریقا بوده اند. راهبرد توسعه سیاسی جوامع آفریقایی، تغییر و تحول در این چرخه و آزادی احزاب و سایر نهادهای مدنی است. مطالعه سرگذشت احزاب اسلامی در بیشتر کشورهای آفریقایی نشانگر ناکامی دولت‌های آفریقایی در تحقق توسعه، پیشرفت، مردم‌سالاری و کرامت انسانی در آن قاره است. اگرچه تعداد احزاب اسلامی که پس از استقلال در کشورهای آفریقایی تأسیس شدند قابل توجه بوده ولی اثربخشی آنها در صحنه سیاسی کشورهای آفریقایی ضعیف و موقت، یا بسیار کمتر از انتظار بوده است. موانع رشد و توسعه احزاب اسلامی در آفریقا بیشتر از ناحیه حکومت‌ها بوده است؛ گرچه خودمحموری رهبران آن گروه‌ها و ناآگاهی اعضا را نیز نمی‌توان منکر گردید.

احزاب آفریقایی به ویژه احزاب اسلامی، در مقایسه با احزاب کشورهای غربی، فاقد موفقیت و اثربخشی مطلوب بوده‌اند. دستیابی به حقوق سیاسی و حق رأی برای مسلمانان هنوز نیز در بسیاری از کشورهای آفریقایی میسر نیست. در اوگاندا، ساحل عاج، موزامبیک و بسیاری کشورهای دیگر، مسلمان‌ها از حقوق شهروندی برابر محروم هستند و حوادث اخیر کنیا بهترین دلیل بر این مدعا است. شکل‌گیری احزاب اسلامی در برخی کشورهای آفریقایی موجب شده است که آنها با شعارهای رادیکال‌تر خود، بخشی از رأی‌دهندگان مسلمان و ناامید را به خود جلب کنند. همچنین حوادث اخیر آفریقا نشان می‌دهد که اگر دشمنی استکبار با احزاب و گروه‌های اسلامی، کاهش یابد مسلمانان مورد اعتماد مردم بوده و می‌توانند در شماری از کشورها حکومت را به دست گرفته و در جهت پیشرفت و توسعه تلاش کنند.

منابع

۱. هینس، جف، دین، جهانی شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم، مترجم داوود کیانی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱
۲. قانون، فرانتس، دوزخیان روی زمین، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۸
۳. زریو، ج. کی، تاریخ عمومی آفریقا، ترجمه حسن انوشه، یحیی مدرسی، تهران، ۱۳۷۲، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۴. ماکه، ژاک ژروم پیر، تمدن سیاهان. ترجمه اسدالله علوی، آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی. مشهد ۱۳۶۹
۵. خسروشاهی، هادی، نبرد اسلام در آفریقا، دفتر تبلیغات اسلامی، تهران
۶. فصلنامه مطالعات آفریقا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، شماره‌های متعدد
۷. دیویدسن، بزیل، آفریقا تاریخ یک قاره، ترجمه هرمز ریاحی، فرشته مولوی، امیرکبیر ۱۳۵۸
۸. هیسکت، مروین، گسترش اسلام در غرب آفریقا، ترجمه احمد نهائی، محمدتقی اکبری، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹
۹. کورنون، ماریان، تاریخ معاصر آفریقا. ترجمه ابراهیم صدقیانی، امیرکبیر، ۱۳۶۵
۱۰. نحوی الخلیل، آفریقا المسلمه، الهویه الضانعه، دار العرب الاسلامی لبنان، ۱۹۹۳
۱۱. سرمد، خسرو، کشف و استعمار آفریقا، انتشارات بنیاد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۰
۱۲. دخانیاتی، علی، تاریخ آفریقا، تهران، توکا، ۱۳۵۸
۱۳. احمدی نوحدانی، سیروس، فرهنگ و تمدن کشور مالی، انتشارات پاپلی ۱۳۸۵
۱۴. احمدی نوحدانی، سیروس، قوم و قومیت‌ها در آفریقا، انتشارات پاپلی ۱۳۸۶
۱۵. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۶،
۱۶. پیتز کریستو، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، ۱۳۸۴، تهران

## منابع انگلیسی

1. Ninsin, kwame, a. and Drah, f. k. (eds) woeli publishing servioeces political parties and democracy in ghana's fourth republic, 1993, woeli publishing servioeces, accra
2. Kodjo, edem. Africa today, 1989, ghana university press, accra.
3. , The oxford history of the 20th century, oxford, 1998, usa
4. Ralph, lee, philip. Lerner , e , robert (eds) world civilization, the history and their culture, 9th ed 1997, norton company. usa
5. Assimeng, max, religion and social change in west africa, 1989, ghana university press, accra
6. Manger leif (ed) muslim diversity , local islam in global contexts. 1999, curzon press, uk
7. Bello, sule (ed). culture and decision making in nigeria, 1991 , pub by national council for arts and culture, lagos
8. Bakari, Mohamad (ed) Islam in Kenya Nairobi 1994
9. Peil , M. and sada, p. o. African Urban spcity (Chichester: Jon Wiley and sons).
10. Mbiti, J. (1969) African Religions and philoaophy (London and Nairobi: Heinemann).
11. Mazuri, A. A. (1986) the Africans: A Triple Heritage (New york: Little Brown , London: BBC publications).
12. Appiah. k. a and others (eds) Africana encyclopeadia. 1995. usa
13. Fage, J. D. (1996). A History of Africa. Routlrdge, usa.
14. :Mazrui, Ali (ed) (1993) General History of Africa, Africa Since 1935, Heinemann, Unesco.
- 15: Levitzion , Nehemia (eds) (2000). The History of Islam in Africa. ohio uni press, usa.
16. Kurimto, Eosei and Simonse, simon (eds). conflict, age and power in north east africa, (1998), eastern african studies pub, nairobi.
17. Harbeson, J. w. Rothchild, D. African in world politocs, post-cold war challenges. (1995) westview press, usa

18. Haynes,jeff.religion and politics in africa,1996,zed book pub, uk.
19. Manger,leif(ed)Muslim diversity,local islam in global context,1999,curzon press.uk
20. Chazon,n(eds)Politics and society in contemporary africa,3rd ed.1999,lynne riennner pub,usa.
21. hansen,h,b and twaddle,m.(eds)religion and politics in east africa,1995,villiers pub, uk.
22. Crowder, Michael(ed)the history of Africa, vol 8, from 1940 to 1975, Cambridge, uk
23. Ali,BahatJuma,www.turkishweekly.net/comments.php?id=1975, Friday , 17 March 2006
24. Palmer,r,and coltun,j.A history of the modern world,nc grow pub,new york,1995
25. Thomson , Alex,an introduction to African politics. London, 2004

پی‌نوشت‌ها

1. African Nuclear Weapon Free Zone.
2. Appiah.k.a and others (eds) Africana encyclopeadia. 1995. usa, pp 704-707
3. King of Morocco outlaws Islamic parties on fourth anniversary of his  
KING MOHAMMED of Morocco has declared that Islamic parties will be banned, insisting he is the North African country's only representative of Islam....  
Independent, The (London), 8/1/03 by Elizabeth Nash in Madrid · More from publication
4. Mazrui, Ali(ed)(1993)General History of Africa, Africa Since 1935, Heinmann, Unesco, p 164-165  
Islam in west Africa: Radicalism and the new ethics of disagreement, 1960-1990, Lansin Kaba
5. hansen, h, b and twaddle, m. (eds) religion and politics in east africa, 1995, villiers pub, uk. p, 207
6. احمدی نوح‌دانی، سیروس، فرهنگ و تمدن کشور مالی، انتشارت پاپلی ۱۳۸۵، ص ۲۳۴
7. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa. ohio uni press, usa. p, 214
۸. پیشین 352, p.
۹. پیشین
10. Mazrui, Ali(ed)(1993)General History of Africa, Africa Since 1935, Heinmann, Unesco, p 503
۱۱. پیشین

Pp 502-504

12. Bello,sule (ed).culture and decision making in Nigeria,1991 , pub by national council for arts and culture,Lagos,p, xxxvii

13. Hansen,h,b and twaddle,m.(eds)religion and politics in east africa,1995,villiers pub. uk.p, 24-25

Levit Zion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa.p, 354-360

14. How we lost our money on Kenya and Chad ,By Charles Onyango-Obbo

<http://politics.nationmedia.com/Blog/default.asp?Display=182>

15. Mazrui,Ali(ed)(1993)General History of Africa, Africa Since 1935,Heinmann,Unesco.p, 474

16. Appiah.k.a and others(eds) Africana encycopaedia. 1995. usa,p 1429

The Hut Tax resulted in the death of some British officials and anyone suspected of... In West Africa the tension grew between African merchant kings and...  
[www.bbc.co.uk/worldservice/specials/1624\\_story\\_of\\_africa/page40.shtml](http://www.bbc.co.uk/worldservice/specials/1624_story_of_africa/page40.shtml) -

17. <http://bashgah.net/pages-912.html>

۱۸. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۴۱

۱۹. روزنامه همشهری، علی، عنایتی شبکلائی، ۱۳۸۲/۰۳/۲۵

20. Appiah.k.a and others(eds) Africana encycopaedia. 1995. usa,pp708-709

21. T. H. Marshall

۲۲. پیتر کریستو، اندیشه‌های بنیادی در جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی،

۱۳۸۴، تهران، ص ۹۸-۹۹

23. introduction | ujamma, socialism and self reliance | education for self-reliance | adult education, lifelong learning and learning for liberation... [www.infed.org/thinkers/et-nye.htm](http://www.infed.org/thinkers/et-nye.htm)

24. [www.gh9166.blogfa.com/8611.aspx](http://www.gh9166.blogfa.com/8611.aspx)

۲۵. روزنامه کیهان ۱۵/۹/۸۶: ارمان مدرنیته غرب!

۲۶. قانون، فرانتس، پوست سیاه صورتکهای سفید، ترجمه محمدامین کاردان، تهران،

خوارزمی، ۱۳۵۳

27. King of Morocco outlaws Islamic parties on fourth anniversary of his  
 KING MOHAMMED of Morocco has declared that Islamic parties will be banned, insisting he is the North African country's only representative of Islam....Independent, The (London), 8/1/03 by Elizabeth Nash in Madrid · More from publication
28. Mazrui, Ali(ed)(1993)General History of Africa, Africa Since 1935, Heinmann, Unesco. p, 114-115
29. Chazon, n(eds) Politics and society in contemporary africa, 3rd ed. 1999, Lynne Rienner pub, usa. p44
30. Appiah, k.a and others(eds) Africana encyclopaedia. 1995. usa. p 1250
۳۱. دخانیاتی، علی، تاریخ آفریقا، تهران، توکا، ۱۹۸، ۱۳۵۸ - ۱۹۹ و ۲۰۶
32. Levizion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa.pp 114-115
33. The African Anti-Colonial Struggle: An Effort at Reclaiming History  
 In this paper, I will examine the failure of the African anti-colonial struggle to.... ception of anti-colonial resistance as a "return to the source."...  
[africana.metapress.com/index/R302812222234917.pdf](http://africana.metapress.com/index/R302812222234917.pdf)
۳۴. تامسون، الکس، مقدمه‌ای بر سیاست و حکومت در آفریقا، مترجم دکتر گلیانی و دکتر بخشی، موسسه مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵، ص، ۲۳۳
۳۵. پیشین، ص ۲۲۳
۳۶. پیشین ص ۱۰۵
37. [http://www.wikileaks.org/wiki/MOU\\_between\\_Raila\\_Odinga\\_and\\_Muslims.pdf](http://www.wikileaks.org/wiki/MOU_between_Raila_Odinga_and_Muslims.pdf)
۳۸. احمدی سیروس، احمدی نوحدانی، سیروس، فرهنگ و تمدن کشور مالی، انتشارات پایلی ۱۳۸۵، ص ۳۱۷-۳۲۰
39. Appiah, k.a and others(eds) Africana encyclopaedia. 1995. usa, p 1010
۴۰. تامسون، الکس، مقدمه‌ای بر سیاست و حکومت در آفریقا، مترجم دکتر گلیانی و دکتر بخشی، موسسه مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹



41. Bangura, Ahmad, Islam and the west African novel, the politics of representation , 2000, lynnerinner pub, usa, p 12
42. Mamadou Dia
43. Islam , african societies and industrial culture by mamadou dia senegal.
44. Levitzion , Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa,p,360
۴۵. تامسون، الکس، ۸۵ مقدمه‌ای بر سیاست و حکومت در آفریقا، مترجم دکتر گلیانی و دکتر بخشی، موسسه مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۲۴
۴۶. پیشین ص ۳۷
47. Hansen,h,b and twaddle,m.(eds)religion and politics in east africa,1995,villiers pub, uk.p,205
48. ibid.p, 205-206
49. Mombassa Institute of Muslim Education(miome)
50. Hansen,h,b and twaddle,m.(eds)religion and politics in east africa,1995,villiers pub, uk.p,206
51. ibid.p. 200 and Jeff Haynes, p, 16
52. Bakari,Mohamad(ed) Islam in Kenya Nairobi 1994,p,81
- Hansen,h,b and twaddle,m.(eds)religion and politics in east africa,1995,villiers pub, uk.p,205
53. پیشین :p, 213
۵۴. همان منبع ص ۲۱۴
55. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa. P17
۵۶. تامسون، الکس، ۸۵ مقدمه‌ای بر سیاست و حکومت در آفریقا، مترجم دکتر گلیانی و دکتر بخشی، موسسه مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵
57. Assimeng,Max,Religion and social change in west africa,1989,ghana university press,accra, p, 225

58. Mazrui, Ali(ed)(1993)General History of Africa, Africa Since 1935, Heinmann, Unesco. pp 512-513

59. Military Tightens Grip in Algeria Election - New York Times, Parties representing Algeria's military-backed authorities swept to victory in parliamentary elections on Thursday, but a low turnout and accusations  
ofquery.nytimes.com/gst/fullpage.html?res=9F0DE5D8173CF934A35755C0A961958260

60. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa.p 350-353

۶۱. پیشین

۶۲. کتاب سبز تانزانیاء، سال ۷۵، ص ۱۴۵، انتشارات وزارت امور خارجه:

63. Haynes, jeff. religion and politics in africa, 1996, zed book pub, uk, p. ۱۲

64. ipz. zambia islamic party

۶۵. کتاب سبز زامبیا، وزارت امور خارجه، سال ۷۵، ص ۱۱۳

66. Africa Muslim Party

67. Gulam Sabdia

68. Ahmed Abdallah Mohamed Sambi

69. Front National pour la Justice or FNJ

70. Ahmed RACHID

71. pdi, Islamic Democratic Party

72. /۲۱۸۸)www.cia.gov)

۷۳. سایت سیا، ۱۳/دسامبر ۲۰۰۷

۷۴. تامسون، الکس، ۸۵ مقدمه‌ای بر سیاست و حکومت در آفریقا، مترجم دکتر گلیانی و

دکتر بخشی، موسسه مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵ (ص ۲۲۳)

۷۵. همو، ۴۷

76. Kukah, H, M, Democracy and civil society in nigeria, spectrum books, Ibadan, 1999, p, 15

77. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa.p

362

۷۸. احمدی نوحدانی، سیروس، قوم و قومیت‌ها در آفریقا، انتشارات پاپلی ۱۳۸۶، ص ۲۴۸،

79. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa. P

360

80. پیشین. p 192

81. Haynes,jeff.religion and politics in africa,1996,zed book pub. uk,p, 126

۸۲. پیشین.

۸۳. همان منبع ص ۱۲۷

۸۴. احمدی نوحدانی، سیروس، فرهنگ و تمدن کشور مالی، انتشارات پاپلی ۱۳۸۵، ص

۳۲۰-۳۱۷

۸۵. پیشین، ص ۲۵۷-۲۵۵

86. (روزنامه Daily Trust 6 December 2007)

۸۷. سخنرانی انتخاباتی آقای کبیای، ۱۰ دسامبر ۲۰۰۷

۸۸. تنگناهای شمال آفریقا

جبهه اسلامی الجزایر آفریکانا ص ۱۰۱۰-۱۰۱۱

89. Appiah.k.a and others(eds) Africana encycopeadia. 1995. usa ۱۰۱۰ ص ،

90. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa.

P,351

۹۱. همان منبع

92. Islam Ballots for Allah Time,Jun. 25, 1990 | By Jill Smolowe ...startling news: the fundamentalist Islamic Salvation Front was ahead in Algeria's first multiparty election since the country's independence from France in 1962.

93. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa.

P,240

94. Hansen,h,b and twaddle,m.(eds)religion and politics in east africa,1995,villiers pub, uk.p, 180-182

۹۵. هفته نامه تایم، شش ژوئن ۲۰۰۶

۹۶. نیوزویک بین‌المللی، شش، سپتامبر ۲۰۰۶

97. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa.  
P,241

۹۸. روزنامه استاندارد نایروبی، ۱۰ دسامبر ۲۰۰۷، نوشته کوین کلی

99. Africa Events

100. Bakari.Mohamad(ed) Islam in Kenya, Nairobi ,1994,p,218

101. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa.  
P,354

۱۰۲. تامسون، الکس، ۸۵ مقدمه‌ای بر سیاست و حکومت در آفریقا، مترجم دکتر گلیانی و

دکتر بخشی، موسسه مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹

103. Hansen,h,b and twaddle,m.(eds)religion and politics in east africa,1995,villiers pub.  
uk.p, 7

۱۰۴. اسلام در آفریقا، ص ۳۱۸ و پیشین، ص ۲۱

۱۰۵. همان، ۳۱۹

۱۰۶. کتاب سبزموزامبیک، وزارت امور خارجه، سال ۱۳۷۵، ص ۱۱۷

107. Appiah.k.a and others(eds) Africana encyclopeadia. 1995. usa,p ,1371

Bello,sule (ed).culture and decision making in nigeria,1991 , pub by national council for  
arts and culture,lagos,p,159

108. Appiah.k.a and others(eds) Africana encyclopeadia. 1995. usa,p 1010

109. Bakari,Mohamad(ed) Islam in Kenya, Nairobi ,1994,p,135

110. Appiah.k.a and others(eds) Africana encyclopeadia. 1995. usa,p 574

111. Bakari,Mohamad(ed) Islam in Kenya, Nairobi ,1994,p,226

112. Palmer,r,and coltun.j,A histoty of the modern world,nc grow pub,new york,1995, p,  
930

113. Appiah.k.a and others(eds) Africana encyclopeadia. 1995. usa, p 336

114. sankura

115. Haynes,jeff.religion and politics in africa,1996,zed book pub, uk,p ,163

116. Assimeng,max,religion and social change in west africa,1989,ghana university press,accra. p. 224

117. Manger leif (ed)muslem diversity , local islam in global contexts.1999,curzon press,uk,p, 80-82

118. Assimeng,max,religion and social change in west africa,1989,ghana university press,accra, p, 24

۱۱۹. نشریه نیو ویژن، ۱۸ دسامبر ۲۰۰۷

120. Ninsin,kwame,a.and Drah,f,k.(eds)woeli publishing servioeces political parties and democracy in ghana's fourth republic,1993, woeli publishing servioeces,accra, p254

۱۲۱. پیشین، ص ۲۵۲

۱۲۲. نیوزویک بین‌المللی، ۲۱ / ۱ / ۲۰۰۸

123. Ninsin,kwame,a.and Drah,f,k.(eds)woeli publishing servioeces political parties and democracy in ghana's fourth republic,1993, woeli publishing services,accra,p, 243

124. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa. P, 212

125. Hansen,h,b and twaddle,m.(eds)religion and politics in east africa,1995,villiers pub, uk,p, 213

۱۲۶. آفریقا ایوتنز لندن در ژوئیه: ۱۹۹۲

۱۲۷. کتاب السیاسه ملأ البطون، بایارت، ۱۹۹۳

Hansen,h,b and twaddle,m.(eds)religion and politics in east africa,1995,villiers pub, uk,p, 215

۱۲۸. پیشین، ص ۷ و ۲۱۵

129. Ralph,lee,philip. Lerner ,e ,robert(eds) world civilization,the history and their culture,9th ed 1997,norton company.usa.p.749

130. Chazon,n(eds)Politics and society in contemporary africa,3rd ed.1999,lynne riennner pub,usa.,p. 45.

۱۳۱. در این خصوص بررسی انتخاب رئیس حزب کنگره آفریقای جنوبی و رویکردهای

قبیله‌ای در حوادث کنیا در دوماه اخیر بهترین مورد اثبات آن مدعا به شمار می‌روند.  
۱۳۲.

133. Hansen, h, b and twaddle, m. (eds) religion and politics in east africa, 1995, villiers pub, uk, p, ۲۹

134. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa,p,357

135. Hansen, h, b and twaddle, m. (eds) religion and politics in east africa, 1995, villiers pub, uk, p, ۲۱۵

136. Hansen, h, b and twaddle, m. (eds) religion and politics in east africa, 1995, villiers pub, uk, p, 215

137. Ralph, lee, philip. Lerner ,e ,robert(eds) world civilization, the history and their culture, 9th ed 1997, norton company, usa, ۲ ج, ۷۵۶

138. Ali, Bahat Juma, www.turkishweekly.net/comments.php?id=1975, Friday , 17 March 2006

۱۳۹. نحوی الخلیل، آفریقا المسلمه، الهویه الضائعة، دار العرب الاسلامی لبنان، ۱۹۹۳، ۱۸۰

140. Africa suffers most from extreme poverty, recurrent famine..... persistent violations of human rights could lead to the emergence of terrorist movements,...  
www.un.org/News/Press/docs/2001/ga9971.doc.htm

141. Lugard

142. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa, P210

۱۴۳. پیشین، ص:

144. Chazon, n(eds) Politics and society in contemporary africa, 3rd ed. 1999, lynne riennner pub, usa., p, ۹۷

145. bourdieu:

146. Assimeng, max, religion and social change in west africa, 1989, ghana university press, accra, p , 223

147. Haynes, jeff. religion and politics in africa, 1996, zed book pub, uk, p. 48
148. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press.usa.p, 212
149. umsc. Uganda muslim supreme council
150. naam ,national association for the advancement of muslims
151. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa.p,354
152. Chazon,n(eds)Politics and society in contemporary africa,3rd ed.1999,lynne riennner pub,usa.,p, ۹۸
۱۵۳. پیشین، ص ۹۹:
۱۵۴. پیشین، ص ۱۴۷:
155. Kodjo, edem. Africa today, 1989 ,ghana university press, accra.p, ۸-۹
156. Ninsin,kwame,a.and Drah,f,k.(eds)woeli publishing servioeces political parties and democracy in ghana's fourth republic,1993, woeli publishing servioeces,accrap p۱۹۸-۱۹۹
۱۵۷. پیشین
158. Ralph,lee,Philip. Lerner ,e ,Robert(eds) World civilization, the history and their culture,9th ed 1997.norton company's. v 2.p,760
- Hansen,h,b and twaddle.m.(eds)religion and politics in east africa,1995,villiers pub, uk.p, 6-9
159. Michele Howard and Louis(eds) ,Oxford History of the 20th century , oxford 1998.p, 265
160. Ralph,lee,philip. Lerner ,e ,robert(eds) world civilization.the history and their culture,9th ed 1997,norton company.usa. v 2.p, 760
161. Ralph,lee,philip. Lerner ,e ,robert(eds) world civilization,the history and their culture,9th ed 1997,norton company.usa.v 2.p,761
162. Mazrui,Ali(ed)(1993)General History of Africa, Africa Since 1935,Heinmann,Unesco vol 8.p, 520

163. Assimeng,max,religion and social change in west africa,1989,ghana university press,accra, p,225

۱۶۴. پیشین 242, p,

۱۶۵. پیشین 70, p,

166. Mazrui,Ali(ed)(1993)General History of Africa, Africa Since 1935,Heinmann,Unesco.p.501

167. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa.p, 358-364

۱۶۸. پیشین ص ۲۰۹

169. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa.p, 192

